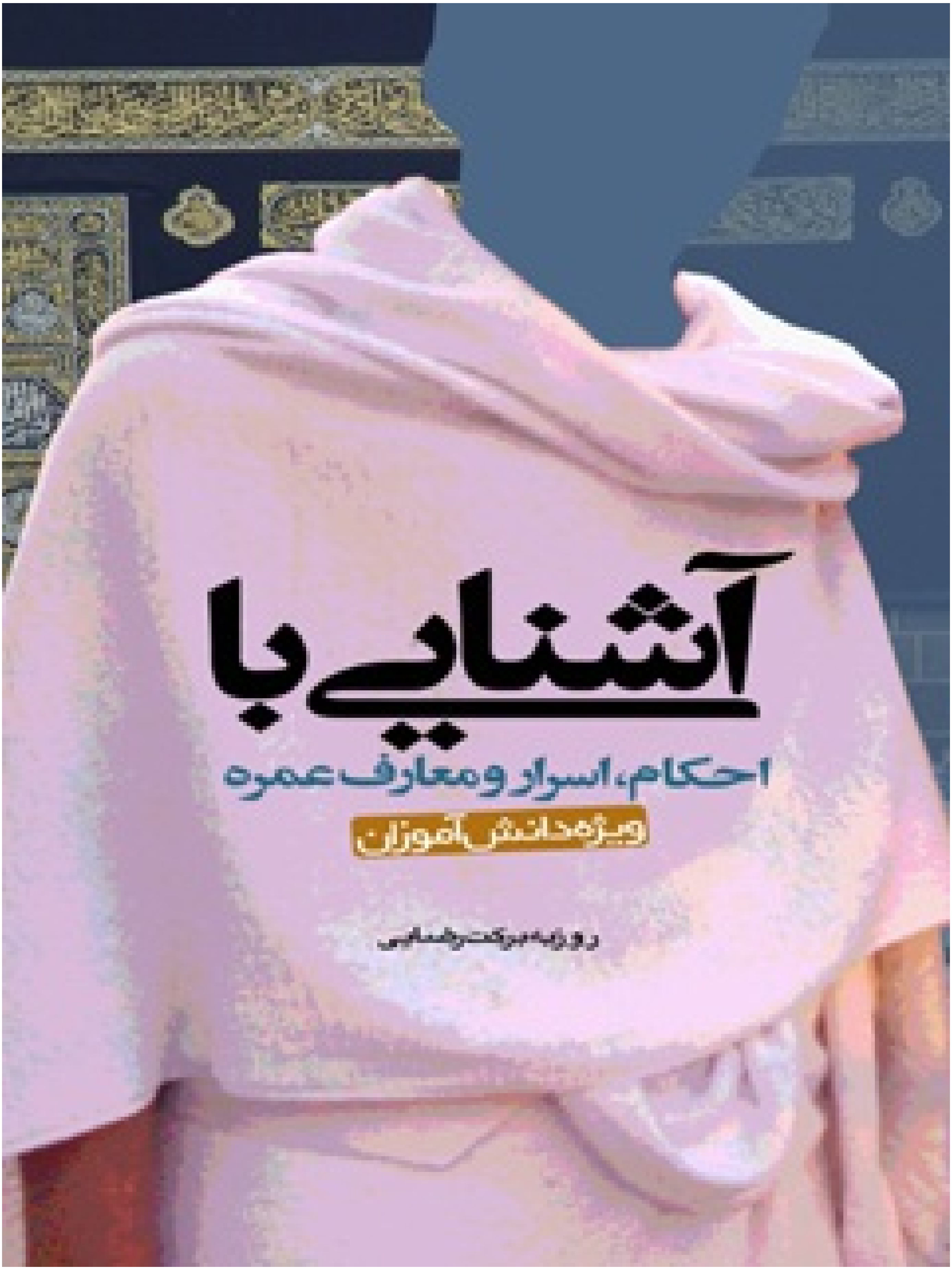

آشنایی با
احکام، اسرار و معارف عمره
ویژه دانش آموزان

بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با احکام، اسرار و معارف عمره

نویسنده:

روزبه برکت رضایی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آشنایی با احکام، اسرار و معارف عمره

مشخصات کتاب

سرشناسه : برکت‌رضایی، روزبه، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با احکام، اسرار و معارف عمره: (ویژه دانش‌آموزان)/ روزبه برکت‌رضایی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص. ۹×۱۹/۵س‌م.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۴۵-۸:

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : حج.

موضوع : حج عمره.

موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه.

موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی -- مدینه.

موضوع : عربستان سعودی.

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ب۴آ۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۱۹۵۵۸

ص:۱

بخش اول: آداب سفر عمره

اشاره

ص:۲

ص:۳

«حج» و «عمره» از باشکوه ترین برنامه‌های عبادی، سیاسی و اجتماعی اسلام است و یک دوره کلاس خداشناسی است.

سفر حج انسان را از فقر و نداری بیمه می‌کند و باعث بخشیده شدن گناهان میشود.

پیامبر خدا (ص) فرمودند: «حاجیان و عمره‌گزاران، میهمانان خدایند. خداوند ایشان را دعوت کرده و آنان به این دعوت پاسخ مثبت دادهاند و از خداوند خواسته ای داشته اند و او عطایشان کرده است.»

ص: ۴

یا رب، تو خواندی، آمدیم دل را ستاندی، آمدیم
عشق و ولای کعبه را بر دل نشاندی، آمدیم
یارب ندایت را ز جان لبیک گویان آمدیم
جان را رساندیم، آمدیم در خود نماندیم، آمدیم
دل را ز هر وابستگی یکجا تکاندیم، آمدیم «(۱)»

امام صادق (ع) نیز فرمودهانـد: «حـج‌گزار تا زمانی که خودش را به گناه آلوده نکرده، نورانیت حج با او هست.» اگر کسـی پیش از سفر، خود را از آلودگی‌ها پاک کند و آگاهانه حج بگزارد، این سفر بر او تأثیر می‌گذارد و با تحوّل روحی و اخلاقی به دیارش باز می‌گردد.

۱- ۱. شعر از استاد جواد محدثی.

ص: ۵

ادای حقوق

پیش از حرکت و بستن بار سفر، باید نگاهی به اعمال و کارهای گذشته خود بیندازیم که در کجا کوتاهی کرده و به وظیفه خود عمل نکرده ایم و کجای کارمان درست است؟ کدام عبادت و دستور خدا را انجام نداده ایم و از ما «قضا» شده که باید آن را جبران و قضا کنیم. اگر مالی از دوستی یا همسایه‌ای نزد ماست و او راضی نیست، آن را به وی برگردانیم. اگر دوستی، همسایه ای قوم و خویشی و یا ناظم و معلّمی از ما دلخور و ناراحت است، از وی حلالیت بخواهیم. رضایت خواهر، برادر و به خصوص پدر و مادر را جلب کنیم و بر دستانشان، با مهر و محبت بوسه زنیم.

ص: ۶

در آغاز سـفر، دو رکعت نماز به جا آورده، از خداوند بخواهیم که ما را در شمار نمازگزاران قرار دهد و در این سفر معنوی، خوبی ها و هدایت ها و راهنمایی هایش را بر ما فرو فرستد.

هنگام خداحافظی، دلها میشکند و آن لحظه، بهترین لحظه دعا است، پس آن هنگام برای همه دعا کنیم!»

سفر را با صدقه آغاز کنیم و برای رفع نگرانی خود، «آیه الکرسی» «(۱)» بخوانیم.

اخلاق مسافرت

از کارها و تصمیمات بسیار مهم در سفر، انتخاب همسفر خوب و نیز رعایت اخلاق و آداب معاشرت با همسفران است.

از کارهایی که رعایت آنها در سفر بسیار ضروری است، عبارتاند از:

۱. «نظم و هماهنگی»؛ پیامبر (ص) فرمود: «کسی که با همسفران رفتار بد دارد، با ما نیاید.»

۱- آیات ۲۵۵ تا ۲۵ع سوره بقره را آیه الکرسی گویند.

ص: ۷

۲. «حسن خلق»؛ فرموده پیامبر (ص) است که: «با چهره گشاده با برادرانت برخورد کن.»

از مصادیق حسن خُلق، داشتنِ صبر، حوصله، گذشت، تواضع، پاکدامنی، مهربانی، سازش، مدارا و پرهیز از بیهوده‌گویی، لغو و غیبت است و ....

۳. «مشورت»؛ با مربیان و مسؤولان کاروان در هر مسألهای مشورت کنید تا از تجارب آنان بهرهمند گردید.

۴. «پرهیز از عجله و شتاب»؛ پیامبر (ص) فرمودد: «آرامش در کارها، از جانب خدا است و عجله و شتاب از [کارهای شیطان است.»

۵. «خندهرو بودن با همراهان و همسفران»؛ امام باقر (ع) فرمود: «خنده رو برخورد کردن با برادر مؤمن، پاداش و ثواب دارد و در نزد خداوند عبادت و پرستشی بهتر از شاد کردن و خنداندن دیگران نیست.»

۶. «خدمت به دیگران»؛ امام صادق (ع) به کسی که دوستش در مدینه بیمار شده بود، فرمودند: «نشستن تو در کنار او، برتر و بالاتر از نماز خواندن در مسجد است.»

ص: ۸

(ع). «چشم پوشـی از لغزش‌ها و خطاها»؛ سیره اهل بیت: آن بود که از لغزش‌ها و خطاهای دیگران چشم می پوشیدند و یا با تذکر و راهنمایی، اصلاحش می کردند.

۸. «صبر و بردباری در برابر مشکلات و سختی‌های سفر»؛

جمال کعبه چنان می دواندم به نشاط که خارهای مغیلان، حریر می‌آید

(ص). «نوشـتن خاطره»؛ شاید چنین سفری در دوران جوانی تنها یک‌بار برای ما پیش آید و معلوم است که تمام لحظه ها و خاطرات آن، همـواره بـا مـا خواهـد بـود؛ پس چـه خـوب اسـت که از این سـفر، یادگـاری مانـدگار تهیه کنیم و از صـحنههایی که می‌بینیم، نکته‌های آموزنـده و به یادمانـدنی که با آنها برخورد می کنیم، وضـعیت مکان‌ها، آثار و احساسـی که در این سـفر داریم، داسـتان، تحلیل وضعیت مسلمانان و ... همه را بنگاریم تا دیگران نیز بخوانند و بدانند.

ص:۹

ص:۱۰

بخش دوم: آشنایی با عربستان

موقعیت جغرافیایی

عربستان، جزو کشورهای قاره آسیاست که در منطقه سوق الجیشی و استراتژیک خاورمیانه قرار دارد و دو میلیون و بیست و چهار هزار (۲۲۴۰۰۰۰) کیلومتر مربع مساحت دارد. از شمال با اردن و عراق، از جنوب با یمن و عمان، از شرق با کویت، بحرین، قطر، امارات و خلیج فارس هم مرز است و از غرب به دریای سرخ محدود می‌شود.

آب و هوا

کشور عربستان از خشکترین و گرمترین مناطق دنیاست. هوای عربستان در تابستان بسیار گرم و در زمستان معتدل است. در این کشور حتی یک رودخانه دائمی وجود ندارد و بارندگی نیز بسیار کم است.

ص:۱۱

پایتخت و شهرهای مهم این کشور

پایتخت عربستان، «ریاض» است. پس از ریاض، جده (پایتخت سابق) مهمترین شهر سیاسی این کشور است و پس از جده، شهر «طائف»، در درجه سوم از اهمیت سیاسی قرار دارد.

شهرهای مهم دیگر این کشور عبارتاند از:

«مکه» و «مدینه»، که از شهرهای مهم مذهبی این کشورند.

«دمام»، «جبیل»، «ینبع» و «جده» از شهرهای مهم صنعتی و تجاری آن می باشند.

و «طائف»، «بریده» و «تبوک» که از شهرهای مهم کشاورزی به شمار می روند.

تقسیمات کشوری

عربستان به سیزده منطقه یا استان تقسیم شده است و در هر منطقه (استان)، امیری به حکم پادشاه نصب می‌گردد. این مناطق عبارتاند از:

ص: ۱۲

۱. ریاض، ۲. شرقیه، ۳. مکه مکرمه، ۴. مدینه منوره، ۵. حائل، ۶. القصیم، ۷. تبوک، ۸. الباحه، ۹. عسیر، ۱۰. نجران، ۱۱. جوف ۱۲. جیزان، ۱۳. الحدود الشمالی.

جمعیت

جمعیت عربستان بیست و دو میلیون (۲۲۰۰۰۰۰۰) نفر است که از این تعداد، شانزده میلیون بومی و شش میلیون نفر خارجی هستند که برای کار به این کشور آمده‌اند.

عربستان، حدود یک و نیم میلیون شیعه دارد که بیشتر آنان، در مناطق «احساء»، «قطیف»، «ظهران»، و «مدینه» «(۱)» ساکنان‌اند.

تقویم، ساعت و پول

تقویم رسمی عربستان بر اساس ماه‌های هجری قمری است.

۱- ۱. در مدینه ۳۰ هزار شیعه زندگی می‌کنند؛ برخی از شیعیان مدینه در منطقه« نخاوله» سکونت دارند. رهبر شیعیان مدینه جناب آقای شیخ عَمْری است و نمازهای جماعت در مجرمتعلق به شیعیان برگزار می گردد. حضوریک وعده نماز جماعت مغرب و عشاء در آن مکان خاطره‌ای به یاد ماندنی خواهد بود.

ص: ۱۳

زمان در این کشور، سه ساعت جلوتر از «گرینویچ» است؛ به این ترتیب اختلاف ساعت عربستان با ایران در پاییز و زمستان سی دقیقه و در بهار و تابستان (به علت جلو کشیدن ساعتها) یک ساعت و سی دقیقه است.

ساعت کار بیشتر مراکز دولتی از ۷/۳۰ تا ۱۴/۳۰ است؛ البته کارکنان بیشتر شرکتها و مؤسسه‌های خاص و بانک ها در دو نوبت صبح از ۸ تا ۱۳ و عصر ۱۶ تا ۱۹ کار میکنند؛ با این همه، هنگام برگزاری نماز، همه مکان‌های دولتی و تجاری تعطیل میشود.

واحد پول عربستان، «ریال» است. اسکناس‌های رایج این کشور ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ و ۵۰۰ ریالی می باشد و سکه‌های رایج آن ۱۰، ۲۵ و ۵۰ هلله(۱)»

و یک ریالی است.

اکنون، یک دلار آمریکا برابر ۳/۷۵ ریال سعودی و هر ریال سعودی برابر ۲۵۰ تومان ایران است.

۱- ۱. هر ریال عربستان برابر ۱۰۰ هلله است.

ص:۱۴

آداب و رسوم

آداب و رسوم این کشور آمیخته‌ای از سنت‌های قبیله‌ای و اسلامی است؛ اکنون به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- مردان، بیشتر لباس سفید بلند «(۱)» میپوشند و برای پوشاندن سر، از پارچه خط دار قرمز یا سفید استفاده می‌کنند.

- جز علمای مذهبی «(۲)» بقیه مردم روی سرپوش خود، حلقهای مشکی «(۳)» می پیچند.

- مردم، یکدیگر را با نام کوچک صدا می زنند و الفاظی مانند «سید» و «سیده» نیز به کار میبرند.

- سلام کردن نزد مردم این کشو لازم و پاسخ به آن واجب شمرده میشود؛ بهگونهای که ورود به هر مکانی بدون سلام، بی ادبی تلقّی میشود.

۱- ۱. دشداشه.

۲- ۲. شیخ یا مطوع

۳- ۳. عقال

ص: ۱۵

- دست دادن در هنگام ملاقات، عملی پسندیده و نوعی اظهار محبت و صمیمیت است.

- حضور زنان و دختران در محافل عمومی و حتی مساجد، بسیار کم و محدود است. از اواخر دوره ابتدایی، علاوه بر پوشیدن چادر عربی، پوشاندن دست‌ها و صورت دختران اجباری است.

- در ازدواج، به رأی و نظر دختران اهمیت زیادی نمیدهند و داماد باید افزون بر مهریه، مبلغ قابل توجهی به پدر عروس بپردازد.

- بانوان مجاز به رانندگی خودرو نیستند و استخدام آنان در اداره ها و فروشگاه‌ها ممنوع است.

- ورزش شتر سواری، اسب سواری، شکار، صحرا نشینی و رقص شمشیر مورد علاقه مردم این دیار است.

ص: ۱۶

- نامهای افراد، بیشتر اسلامی است و در گفت‌وگوهای روزانه، نام خداوند، شکر، طلب رحمت، روزی، هدایت و عاقبت به خیری، فراوان به گوش می خورد و نفرین و دشنام به یکدیگر بسیار کم است.

- پخش اذان از منارههای مساجد، اهمیت دادن به نماز و حضور در نمازهای جماعت، تعطیل کردن بازار به هنگام نماز و حفظ ظواهر اسلامی، از آداب و رسوم نیکوی مردم این کشور است.

- حضور در بازار هنگام نماز و رعایت نکردن ظواهر اسلامی، به خصوص «حجاب» را بسیار زشت و ناپسند می‌دانند.

- رادیو و تلویزیون؛ عربستان، دارای سه کانال رادیویی و دو کانال تلویزیونی است.

ص:۱۷

نظام آموزشی

مدارس پسرانه و دخترانه عربستان دو نوع است:

دولتی؛ در مدارس دولتی ثبت نام رایگان است.

ملی؛ این مدارس با دریافت شهریه‌های مختلف، از کیفیت بالا برخوردارند.

همچنین، تعدادی مدرسه دخترانه، جهت حفظ قرآن کریم مشغول به کار هستند.

اکنون دوران تحصیل در این کشور ۱۲ سال است که به جز پیش دبستانی، به سه مرحله ابتدایی (از ۶ تا ۱۲ سالگی)، متوسطه یا میانی (از ۱۲ تا ۱۵ سالگی)، ثانویه یا دبیرستان (از ۱۵ تا ۱۸ سالگی) تقسیم می‌شود.

دوره آموزش دبیرستان سه سال است که بعد از سال اول، دانش آموزان به دو گروه علوم و هنر تقسیم می شوند؛ البته مدارس صنعتی، بازرگانی و کشاورزی نیز در عربستان وجود دارد که دانش آموزان پس از طی دوره میانی، می‌توانند تحصیلات خود را در این مدارس ادامه دهند.

ص: ۱۸

سال تحصیلی در عربستان از اواخر سپتامبر؛ یعنی اوایل مهر آغاز شده و در اواخر ژوئن؛ یعنی اوایل تیر ماه به اتمام می‌رسد. سال تحصیلی به دو دوره نیم سال اول و دوم تقسیم می گردد.

عربستان سعودی دارای هشت دانشگاه دولتی است؛ گفتنی است در عربستان کنکور وجود ندارد و معدل دبیرستان، ملاک پذیرش در دانشگاه ها است.

در حال حاضر، ۱ ۵۰۰۰۰۰ پسر و ۱۳۰۰۰۰۰ دختر در این کشور مشغول به تحصیل هستند.

نظام سیاسی

حکومت عربستان به دلیل انتساب به سعود، پدر محمد اولین حاکم این خاندان- که بر اساس پیمان با محمد بن عبدالوهاب، حکومت نوینی پی افکند- حکومت «آل سعود» نامیده شد. همچنین بر اساس انتساب به عبدالوهاب آیین مذهبی آن، «وهابیت» «(۱)» لقب گرفت.

۱- ۱.« وهابیت» گرایشی افراطی و خشک است؛ سابقه این آیین به دو قرن قبل بر می گردد و نشانه های دست استعمار انگلیس در تشکیل آن دیده می شود.

حمله به شهر کربلا و به شهادت رساندن زائران سید الشهدا و غارت حرم آن امام، حملات مکرر به نجف اشرف، تخریب ضریح ائمه بقیع در مدینه و به شهادت رساندن زائران ایرانی در سال ۱۳۶۶ در کارنامه آنان ثبت است.

ص: ۱۹

ملک عبدالعزیز از پادشاهان آل سعود، در سال ۱۹۵۳ م. درگذشت و بنا به وصیت وی، پسرانش به ترتیب سن، به پادشاهی می‌رسند. «(۱)»

نظام سیاسی عربستان پادشاهی است و ریاست هیأت دولت، قوه مقننه و قضاییه، بر عهده پادشاه می‌باشد.

نمایندگان مجلس این کشور را پادشاه انتخاب می‌کرد و در سال ۱۳۸۳ هجری، مردم نیز برای نخستین بار نمایندگان خود را برگزیدند.

هیأت وزیران ۴۰ نفر عضو دارد که این اعضا نیز از سوی پادشاه برگزیده میشوند.

---

۱ – ۲. ملک عبد العزیز، شش پسر داشت که ملک فهد، چهارمین پسر وی بود که در سال ۱۳۸۴ درگذشت. اکنون ملک عبدالله، پنجمین پسر عبدالعزیز، پادشاه عربستان است و ملک سلطان نیز، ششمین پسر و ولیعهد می باشد.

ص:۲۰

ص:۲۱

بخش سوم: آثار اسلامی مکه و مدینه منوّره

[مدینه منوّره]

فصل اول: شهر پیامبر

شهر یثرب، بعد از ورود پیامبرخدا (ص)، مدینه النبی یا به اختصار، «مدینه» نامیده شد. این شهر در شمال مکه واقع است.

در سال یازدهم بعثت، پیامبر (ص) اسلام را به شش نفر از قبیله «خزرج»- که با قبیله «اوس» جنگ‌های دیرینه‌ای داشتند- عرضه کرد.

در سال بعد، یازده نفر از مردم یثرب در عقبه منا، به محضر آن حضرت آمدند و با ایشان پیمان بستند. در سال سیزدهم نیز ۲۷ نفر از بزرگان آن شهر مجدداً در عقبه منا به حضور پیامبر (ص) رسیده، ضمن پذیرش اسلام، از ایشان دعوت کردند تا به یثرب بیاید و رهبری این شهر را بر عهده گیرد.

ص: ۲۲

در نخستین شب از ماه ربیع الأول سال چهاردهم بعثت، پیامبر (ص) عازم یثرب شد و علی (ع) در بستر آن حضرت خوابید؛ این شب در تاریخ به «لیله المبیت» معروف است. «(۱)»

پیامبر (ص) و همراهانش در روز دوشنبه، ۱۲ ربیع‌الأول به دهکـده قبا وارد شدند و تا آخر هفته، به انتظار علی (ع) و مادرش فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا ۳ و فاطمه، دختر حمزه بودند.

علی (ع) در حالی وارد روستای قبا شد که خون از پاهای مبارکش می‌چکید؛ پیامبر تا چشمش به پاهای مجروح علی افتاد، اشک از دیدگانش جاری شد و او را در آغوش گرفت.

پیامبر خدا در روز جمعه، ۱۶ ربیع الأول، به سوی مدینه حرکت کرد و در میان راه (۵۰۰ متری قبا) نخستین نماز جمعه اسلام را اقامه کرد. در فضیلت مدینه، از پیامبرخدا (ص) روایات بسیاری نقل شده است.

۱- ۱. خداوند متعال در سوره بقره آیه ۲۰ ع، این عمل امیر مؤمنان را ستوده است.

ص: ۲۳

رسول الله، این شـهر را مانند مکه حرم قرار داد و فرمود: «بارخدایا! ابراهیم بنده تو و رسول تو، مکه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می دهم.»

در فضـیلت مدینه همین بس که پیامبر پس از فتح مکّه، با اینکه می‌توانسـتند در آن شـهر مقدّس و زادگاه خویش ساکن شوند، ولی به مدینه بازگشتند و مدفن و مضجع خود را در این شهر قرار دادند.

گذر بر خاطرههای این شهر، حالت معنوی خاصی در انسان ایجاد می‌کند و با تاریخ پر افتخار اسلام پیوند می‌زند.

این شـهر، بوی عطر حضور پیامبر را دارد. آنگاه که گام بر زمین آن می‌گـذاریم، احساس غریبی می‌گوید: اکنون گام در جای پای پیامبر خواهی گذاشت!

ص: ۲۴

مدینه، نخستین شهری است که حکومت اسلامی در آن تشکیل گردید.

شهری که بیشترین آیات حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی در آن نازل شد. دو سوّم قرآن در این شهر، بر سینه پیامبر فرود آمد.

در این شهر، شاگردان مکتب امام صادق (ع) علم را به روی جهانیان گشودند.

در این شهر، ۱۰ نفر ا ز چهارده معصوم؛ یعنی از امام حسن مجتبی تا امام حسن عسکری: متولد شدند.

در این شهر، فرزندان پیامبر به شهادت رسیدند؛ جنازه مبارک امام حسن مجتبی تیر باران شد. فاطمه زهرا ۳ در آنجا کتک خورد و اشکها ریخت و خطبه‌ها خواند ...

در این شهر، خود را غریب احساس نمی‌کنید و تنها هنگام وداع از مدینه، غمی سنگین دل را فرا خواهد گرفت.

ص: ۲۵

سلام ای وادی در غم نشسته سلام ای شهر دل‌های شکسته

سلام ای گنبد خضرای احمد سلام ای تربت زهرای اطهر

سلام ای مطلع خورشید ایمان سلام ای مدفن پاک امامان

ص:۲۶

فصل دوم: مسجد النبی

اشاره

نخستین اقدام پیامبرخدا (ص) در مدینه منوره، ساختن مسجد بود که به مسجد النبی معروف است. آن حضرت، خود در ساخت مسجد کار می کرد و نخستین سنگ بنای مسجد را با دست مبارک خود گذاشت.

این مسجد از شریف‌ترین مساجد بوده و پیامبر درباره نماز خواندن در آن فرموده‌اند:

«ثواب نماز در مسجد من، در پیشگاه خداوند، برابر با ده هزار نمازی است که دیگر مساجد خوانده می شود، جز مسجد الحرام، که نماز در آن، برابر با صد هزار نماز است.»

ص: ۲۷

قسمت‌های مختلف مسجدالنبی (ص

الف- روضه شریفه

روضه، فضیلت زیادی دارد. در حدیثی از پیامبر (ص)، به عنوان باغی از باغ های بهشت معرفی شده است؛ «مَا بَیْنَ قَبْرِی وَ مِنْبَرِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّه».

محدوده روضه، از خانه پیامبر تا منبر و از دیوار محراب تا چهارمین ستون است. ستون‌های روضه امروزه به رنگ صورتی و خطوط طلایی است؛ طول آن بیست و دو و عرض آن پانزده متر است.

در محدوده روضه مطهره، سه مکان مقدس دیگر نیز وجود دارد که عبارتاند از:

۱. مرقد مطهر پیامبر؛ حضرت رسول (ص) در همان حجره‌ای که وفات یافت، دفن گردید و امروزه گنبد سبزی (قبه الخضراء) بر روی آن ساختهاند. «(۱)»

۱- ۱. در حجره طاهر، محلی است به عنوان قبر فاطمه زهرا ۳. در مورد محل دفن حضرت فاطمه چند احتمال وجود دارد و بنابر روایات اهل بیت: خانه حضرت، مقبره آن بزرگوار معرفی شده است؛ هر چند خواندن زیارت حضرت در قبرستان بقیع سفارش شده است. آری، قبر گمشده فاطمه ۳ یکی از اسرار تشیع است و همواره این پرسش مطرح بوده است که چرا اهل بیت: قبر مادر خود را معرفی نکرده‌اند؟ و راز شهادت آن الگوی انسانیت درسی برای آیندگان است.

یا فاطمه من عقده دل وا نکردمگشتم مزار یار را پیدا نکردم

ص: ۲۸

۲. منبر؛ منبر موجود در مسجد النبی ۱۲ پله دارد که از قرن دهم در جایگاه منبر پیامبر گذاشته شده است. «(۱)»

۳. محراب؛ پیامبرخدا (ص) در آنجا نماز می‌گزارد و اکنون بر بالای آن، این عبارت نوشته شده است: «هَذَا مُصَلّی النَّبِی (ص)».

ب– ستون‌های مسجد نبوی

در مسجد نبوی ستون‌هایی وجود دارد که هر یک نامی خاص دارد. هشت ستون از زمان پیامبر (ص) هنوز در مسجد باقی است که با رنگ سفید مشخص شده اند، مهمترین آنها عبارتند از:

۱. ستون توبه؛ آن را ستون «ابولبابه» نیز نامیده‌اند؛ چه، آنگاه که ابولبابه، به سبب گناهیکه مرتکب شد و اسرار جنگی را به سود یهودیان فاش کرد، خود را ده شبانه روز به ستون مسجد بست، تا آنگاه که آیه‌ای در پذیرش توبه او به رسول الله نازل شد و آن حضرت به مسجد آمد و او را از ستون باز کرد.

---

۱ – ۲. مقابل منبر، اتاقک کوچکی با ارتفاع دو متر ساختهاند و اکنون محل اذان و تکبیر مؤذن است؛ بلال در این مکان اذان می گفته است.

ص: ۲۹

۲. ستون حرس؛ علی (ع) در کنار این ستون میایستاد و از پیامبر حفاظت می‌کرد. این ستون را با نام استوانه علی نیز می شناسند؛ زیرا جایگاه نماز آن حضرت بوده است.

ج- درهای مسجد النبی

در زمـان ساخت مسـجد النبی، سه در برای ورود و خروج در نظر گرفتنـد؛ برخی از اصـحاب نیز در حاشـیه مسـجد، خانه ساختنـد و دری به درون مسجد گشودند. در سال سوم هجرت، به دستور پیامبرخدا (ص) همه درهای خانه‌ها به جز درِ خانه علی (ع) به مسجد بسته شد.

مشهورترین درهای مسجد پیامبر:

۱. باب جبرئیل: این در که به باب النبی نیز شـهرت داشته، محل ورود رسول خدا (ص) بوده است؛ همچنین، پیامبر (ص) در ورودی این باب با جبرئیل ملاقات کرده است.

ص: ۳۰

۲. بـاب السـلام: این در از زمـان بنـای نخسـتینِ مسـجد وجود داشـته است. در حـال حاضـر، مسـجد النبی هفت ورودی اصـلی و در مجموع، ۸۱ در دارد.

د. ایوان صفه

گروهی از اصحاب پیامبر که در مدینه سرپناهی نداشتند، در قستمی از مسجد، بین باب جبرئیل و باب النساء اسکان داده می‌شدند. اکنون این محل به صورت بر جسته ای در مسجد مشخص است.

ص:۳۱

فصل سوم: بهشت بقیع

بهشت بقیع، در شرق مسجد النبی و در فاصله ۲۰۰ متری آن واقع است و یکی از خاطره انگیزترین مکانهای مدینه محسوب میشود. در سمت راست ورودی قبرستان بقیع، مرقد پاک چهار امام معصوم؛ امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق: قرار دارد. تا پیش از سلطه وهابیان بر روی قبور ائمه اطهار و برخی بزرگان، گنبد و بارگاهی وجود داشت.

ص: ۳۲

در جلوی قبور چهارگانه ائمه اطهار، مدفن عباس، عموی پیامبر مشخص است و در کنار آن، قبر فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی (ع) جای گرفته است.

قبرهای سه دختر پیامبر؛ زینب، امّ کلثوم و رقیه و کمی جلوتر، همسران پیامبر در کنار یکدیگر قرار دارند.

در ادامه، در سمت راست، ابراهیم، فرزند پیامبر و جلوتر، برخی از شهیدان احُد و اسماعیل فرزند امام جعفر صادق و حلیمه سعدیه، مادر رضاعی پیامبر به خاک سپرده شده‌اند.

درسمت چپِ ورودی بقیع، دو قبر وجود دارد که متعلق به عمه‌های پیامبراست و در کنار آن قبر امّ البنین، مادر علمدار کربلا است.

ص: ۳۳

برخی از شخصیت های سرشناس مدفون در بقیع عبارتاند از:

عقیل، عبدالله بن جعفر طیار، محمد حنفیه، اسعد بن زراره، عثمان بن مظعون، عبدالله بن مسعود، ارقم بن ابی ارقم، مقداد، سعد بن معاذ، جابر بن عبدالله انصاری، عثمان و مالک بن انس.

غربت آباد دیار آشناییها بقیع همدم دیرینه غم‌های نا پیدا بقیع

در توحتی لحظه‌ها هم بیقراری می‌کنند ای تمام واژه‌های اشک را معنی بقیع

همصدا با قرنها مظلومیِ آل رسول حنجری کو؟ تا در این غربت کند آوا بقیع

دارم امید آن که در محشر پناهم می‌دهد سایه دیوار این «آشفته حالی‌ها» بقیع

بیت الأحزان و قبور شهدای حرّه، یاد آور مظلومیتی دیگر در بقیع است.

ص:۳۴

فصل چهارم: مسجدهای معروف مدینه

۱. مسجدهای هفتگانه:

در سال پنجم هجرت، مشرکان مکه با همکاری یهودیان مدینه، جنگ سنگینی بر ضد مسلمانان تحمیل کردند. از آنجا که در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل مخالف اسلام حضور داشتند، در تاریخ، به «غزوه احزاب» معروف شد.

مسلمانان به پیشنهاد سلمان فارسی در شمال مدینه، از نزدیکی مسجد قبلتین تا مسجد مباهله کنونی، خندقی به شکل نیم دایره، به طول ۱۰ کیلومتر و عرض ۱۰ متر حفر کردند.

بعدها برای یادبود حضور فرماندهان سپاه مسلمانان، در دامنه کوه سلع- که از آنجا نظاره‌گر صحنه نبرد بودند و نماز اقامه میکردند- شش مسجد ساخته شد که با مسجد قبلتین به «مساجد سبعه»، (هفتگانه) شهرت یافتند. این مسجدها عبارتاند از:

مسجد فتح، سلمان فارسی، علی بن ابی‌طالب (ع)، فاطمه زهرا ۳، ابوبکر، عمر و مسجد قبلتین.

ص: ۳۵

در اینجا به شرح کوتاهی از مسجد قبلتین و فتح می پردازیم:

مسجد قبلتین: در سال دوم هجرت، هنگامیکه پیامبر در نماز ظهر به رکعت دوم رسید، آیاتی درتغییر قبله نازل شد؛ ... فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ ...؛ «ای پیامبر! روی خود را به سوی مسجد الحرام برگردان.» «(۱)» به دنبال آن، پیامبر دو رکعت نماز باقی مانده از ظهر را به سوی مسجد الحرام خواند. در این مسجد، به یاد بود این تغییر و واقعه، دو محراب به سوی قبله نخستین (بیت المقدس) و قبله دوم ساخته بودند که در نوسازی اخیر، محراب سمت بیت المقدس را برداشتهاند.

۱- ۱. بقره: ۱۴۲- ۱۵۰.

ص: ۳۶

مسجد فتح: بلندترین جای کوه «سلع» محل استقرار پیامبرخدا بود. آن حضرت نمازهای خود را در آنجا اقامه می‌کرد. پیامبر، سه روز در این مکان برای پیروزی سپاه اسلام دعا کرد و روز چهارم، میان نماز ظهر و عصر، دعای حضرت مستجاب شد.
درروایتی آمده است که سوره «فتح» در این مکان بر پیامبر نازل شده است. گفتنی است که اهل بیت: به نماز خواندن در این مکان تأکید کرده‌اند.

۲. مسجد قبا

قبا دهکده‌ای در جنوب مدینه و نزدیک به این شهر است. پیامبر (ص) پس از ورود به مدینه، با کمک اصحاب و یارانش نخستین مسجد را که «قبا» نامیده شد، در همین مکان ساختند.

ص: ۳۷

بر اساس روایات، مسجد قبا مصداق آیه ۱۰۸ سوره توبه است که خداوند می فرماید: «این مسجد از روز نخست بر پایه تقوا ساخته شد.»

پیامبرخدا و ائمه:، نماز در این مسجد را توصیه کرده‌اند. پیامبر (ص) فرمودند:

«نماز خواندن در مسجد قبا مانند یک عمره است.»

۳. مسجد مباهله

درسال دهم هجرت، گروهی از مسیحیان بنی نجران نزد حضرت پیامبر (ص) آمدند و درباره حضرت عیسی با او گفت و گو کردند. چون بحث به نتیجه نرسید، پیامبر به فرمان پروردگار فرمود: «بیایید پسرانمان وپسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم، پس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

ص: ۳۸

در آن روز (۲۴ ذی الحجه)، پیامبرخدا با علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن و حسین: برای مباهله بیرون آمدند. مسیحیان چون شکوه و جلال آن بزرگواران را دیدند، ترسیدند و از مباهله منصرف شدند و با پیامبرخدا مصالحه جزیه را پذیرفتند.

آیات ۶۰ و ۶۱ سوره آل عمران، درباره این واقعه افتخارآمیز است.

۴. مسجد غمامه

پیامبر (ص) در این مکان نماز باران اقامه کردند؛ آن حضرت هنگام خشکسالی، برای نزول باران، در این مکان نماز گزاردند. هنوز نمازشان به پایان نرسیده بود که ابرها، سایه افکندند و باران بارید. بنابراین، آنجا را غمامه، به معنای لکه‌های ابر نامیدند.

ص: ۳۹

همچنین پیامبرخدا، نماز دو عید فطر و قربان را در این مسجد اقامه کردند.

۵. مسجد شجره

این مسجد در ۱۰ کیلومتری مدینه واقع شده و «میقات» کسانی است که از مدینه به سوی مکه و بیت الله الحرام میروند.

همـانگونه که پیشتر اشـاره شـد، دلیـل نامگـذاری آن به «شـجره» آن است که پیامبرخـدا (ص) زیر درختی در آنجا نماز خواندنـد و سپس احرام بستند. پیامبر در چند نوبت در این محل مُحرم شدند «(۱)» و ائمه اطهار نیز در این مکان، احرام می بستند. به همین علت صفا و معنویت خاصی دارد.

در ضمن، آبار (چاه های) علی (ع) در فاصله ۴۰۰ متری مسـجد شجره قرار دارد؛ این چاه‌ها به دست آن حضرت و برای مردم مدینه حفر شدند.

۱- ۱. پیامبر ص در سال شـشم، برای عمره مفرده در این مکان احرام بستند، ولی مشرکان مانع ورود مسلمانان به مکه شدند و پیامبر در« حـدیبیه» از احرام خارج شدنـد. در دومین نوبت نیز در سال هفتم، در این مسـجد احرام بسـتند و قضای عمره سال پیش را به جا آوردند. سـرانجام در سال نهم هجرت، برای حجه الوداع اولین و آخرین تمتع پیامبر پس از بعثت از مسـجد شـجره احرام بسته، حجه الوداع را به جای آوردند.

ص:۴۰

فصل پنجم: احد

در سال سوم هجرت، لشکر هزار نفری اسلام با لشکر مشرکان- که حدود سه هزار نفر بودند- در دامنه احد رو به رو شدند. پیامبر (ص)، نیروها را در دامنه کوه احد، بهگونهایکه کوه پشت سر قرار گیرد، آرایش داد و پنجاه تیر انداز بر تپه «رمات» برای مواظبت از تنگه احد مستقر کرد.

در آغاز نبرد، مسلمانان پیروز شدند، لیکن بیشتر تیر اندازان با رها کردن سنگر خود، برای جمعآوری غنایم، فرصتی در اختیار دشمنان گذاشتند تا فرمانده و چند نفر نیروهای باقیمانده بر تپه را به شهادت رسانده، از پشت به سپاه مسلمین یورش برند. در این محاصره (ع) ۴ نفر از مسلمانان شهید شدند و به همین تعداد نیز مجروح گردیدند و بقیه از صحنه نبرد گریختند.

ص: ۴۱

شایعه کشـته شدن پیامبر بر فرار مسلمانان دامن زد و موجب تقویت روحیه دشمن شد. اندکی از یاران پیامبر؛ مانند امیر مؤمنان علی، حمزه عموی پیامبر، ابو دجانه و بانویی به نام نسیبه بنت کعب باقی ماندند و از پیامبر دفاع کردند. علی (ع) در دفاع از پیامبر، بیش از هفتاد زخم بر داشت و شمشیرش شکست، در این هنگام ندای غیبی شنیده شد که می‌گفت:

«لَا سَیْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَی إِلَّا عَلِیٌّ»؛ «شمشیری جز ذوالفقار و جوانمردی چون علی (ع) نیست.»

در این نبرد، حضرت حمزه، حنظله، مصعب بن عمیر و تعدادی دیگر از بزرگان به شهادت رسیدند.

ص: ۴۲

ایستادن روی کوه رمات و نگریستن به دامنه احد، هر فردی را متأسف و ناراحت می‌کند و به یاد خاطره‌های تلخ و عبرت‌آموز میاندازد؛ ماجرای احُد درسی برای امروز و آینده مسلمانان است.

پیامبر (ص) فرمود: «احدکوهی استکه ما را دوست دارد و ما هم آن را دوست داریم».

ص:۴۳

مکّه معظّمه

اشاره

مکه، بلـد الأـمین، بلـد الحرام، امّ القری و مرکز ظهو اسـلام است. این شـهر از آغـاز خلقت و به خصوص از زمـان حضـرت ابراهیم: قـداست خاصـی داشـته است. نخسـتین آیههـای قرآن در این شـهر نـازل شـد. اینجـا، زادگـاه حضـرت رسول، امیر مؤمنـان و فـاطمه زهراست.

مکه یادگار ایثارهای ابراهیم و هاجر است؛ مکه، شکنجه‌گاه مسلمانان صدر اسلام است؛ مکه شهر خداست.

شهر مکه و بخشی از اطراف آن، محدوده حرم می باشد. حرم دارای احکام فقهی خاصی است.

ص:۴۴

فصل اول: مسجد الحرام

اشاره

مسجد الحرام قدیمیترین و معروفترین مسجد در تاریخ اسلام است؛ از آنجا که کعبه معظمه، بیت الله الحرام «(۱)» نامیده شده، این عبادتگاه هم مسجد الحرام نام گرفت. این مسجد مبدأ معراج پیامبر (ص) بوده است.

امام صادق (ع) فرمودند: «هرگاه وارد مسجد الحرام میشوید، با پای برهنه و با خشوع وارد شوید.»

در حال حاضر، مسجد الحرام ۱۰۰ در بزرگ و سه ورودی اصلی به نامهای باب السلام، باب العمر و باب ملك عبدالعزیز دارد.

این مسجد، با محاسبه زیر زمین، چهار طبقه است که گنجایش یک میلیون نمازگزار را دارد. همچنین مسجد دارای نه مناره می‌باشد.

۱- ۱. از امام صادق ع پرسیدند: چرا کعبه را« بیت الله الحرام» نامیدند؟ فرمود:« چون بر مشرکان حرام است وارد آن شوند.»

ص:۴۵

کعبه

کعبه نگین مسجد الحرام، نخستین خانه بر روی زمین، بیت العتیق و بیت المعمور است. این خانه به وسیله فرشتگان و سپس حضرت آدم بنا شد و ابراهیم خلیل آن را تجدید بنا کرد. هاجر و کودک شیرخوارش اسماعیل اولین ساکنان آن هستند.

در روایات آمده است: «نگاه به کعبه عبادت است و گناهان را از بین میبرد.»

دیوار کعبه از سنگ کبود رنگ، مایل به سفید به ارتفاع ۸۵/ ۱۴ متر، به طول ۵۸/ ۱۱ متر و ۲۲/ ۱۰ متر می‌باشد. ارتفاع در خانه کعبه از زمین ۲ متر و ارتفاع حجرالأسود یک متر و ۵۰ سانتیمتر می‌باشد.

پرده کعبه دو لایه دارد که پوشش ظاهری آن سیاه رنگ بوده و هر سال یک بار تعویض می گردد. در درون کعبه نیز سه ستون کنده کاری از چوب عود به قطر ۲۵ سانتی متر وجود دارد.

ص: ۴۶

هر يك از چهار گوشه كعبه را «اركان كعبه» گويند و آنها عبارتاند از:

ركن حجر الأسود، ركن شامى، ركن غربى و ركن يمانى. «(۱)»

حجر الأسود

سنگى بيضى شكل و سياه رنگ در گوشه شرقىِ كعبه، درونِ محفظهاى نقرهاى و در ركن حجر الأسود، نزديك درِ كعبه قرار دارد.

در فضيلت حجر الأسود روايات بسيار وجود دارد؛ از جمله اين‌كه پيامبر خدا (ص) فرمودند: «حجر الأسود دست خدا در زمين است؛ هركس دست خود را بر آن بكشد، با خدا بيعت كرده كه نا فرمانياش نكند.»

امام صادق (ع) فرمودند: «حجر الأسود از بهشت است.»

نيز آن حضرت فرمودند: «در صورتى كه كسى در اطراف حجر نبود و به راحتى امكان استلام و بوسيدن بود، آن را ببوسيد و در وقت ازدحام،

۱- ۱. ركن يمانى، داراى فضيلت بسيارى است؛ مادر حضرت على ع از شكاف اين قسمت وارد كعبه شد و پس از به دنيا آوردن فرزند، از آنجا بيرون آمد. در فضيلت ركن يمانى روايات بسيارى وجود دارد؛ از جمله اينكه پيامبر ص فرمودند:« هيچگاه نزد ركن يمانى نرفتم مگر آنكه جبرئيل كنار آن ايستاده بود و براى لمس كننده آن، طلب آمرزش ميكرد.»

ص: ۴۷

از دور، بر او تکبیر بگویید.»

سنگ سیاهی در کنارخانه ایستاده است مست از شراب بوسه لب‌های پیغمبر

بشتاب شاید برلب‌های خشک سنگ ما را نهی، نوشاند از دریایی پیغمبر

همچنین فرمودند: «از چیزهایی که از زنان برداشته شده، استلام حجر الأسود است.»

ص: ۴۸

بنابراین، لمس حجر الأسود مستحب است و کسی نمیتواند برای انجام آن، مرتکب خلاف شرع شود.

حجر اسماعیل

حجر اسـماعیل میـان رکن شامی و رکن غربی کعبه واقع است. این دیوار هلالی شـکل زیر ناودان کعبه است «(۱)». امام صادق (ع) فرمودند: «حجر، خانه اسماعیل است و قبر هاجر و اسماعیل در آن قرار دارد.»

حجر اسماعیل، محل وقوع معجزه «شقّ القمر» حضرت رسول (ص) است.

مقام ابراهیم

سنگیکه جای پای حضرت ابراهیم (ع) روی آن نقش بسته، «مقام ابراهیم» نام دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: فیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهیمَ ...؛ «در مسجد الحرام نشانههای روشن، از جمله مقام ابراهیم است.» «(۲)»

آن حضرت هنگام تجدید بنای کعبه، روی این سنگ می‌رفت تا قسمتهای بالای دیوار کعبه را بالا ببرد و با اراده الهی، جای پاهای

---

۱ – ۱.« نـاودان طلاـ»، بـاران بام کعبه را به داخل حجر اسـماعیل هـدایت می کنـد. بزرگان دین، به نماز و دعا در زیر ناودان توصـیه کردهاند.

۲– ۲. آل عمران: ص ع

ص: ۴۹

ایشان، روی آن باقی مانده است.

اکنون مقام ابراهیم ۱۳ متر با کعبه فاصله دارد و در محفظه ای قرار داده شده تا از آسیب های احتمالی محفوظ بماند.

صفا و مروه «۱»

«(۱)»

آنگاه که ابراهیم، هاجر و فرزند خُرد سالش اسماعیل را در سرزمین مکه گذاشت، پس از مدتی آبِ همراه آنان تمام شد و اسماعیل تشنه ماند.

هاجر در جست وجوی آب به کوه صفا رفت؛ در مروه سرابی دید، به مروه رفت، در کوه صفا سراب دید و تا هفت بار مسیر صفا و مروه را پیمود؛ سرانجام جبرئیل پای خود را بر زمین کوفت و زمزم «(۲)» جوشید.

هم اکنون، مسعی (محل سعی میان صفا و مروه) سالن سر پوشیده‌های به طول ۴۰۰ متر

۱- ۱. خداوند در سوره بقره، آیه ۱۵۸ می فرماید: إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللَّهَ شاکِرٌ عَلیم؛« همانا صفا و مروه از شعائر خداست، پس کسی که حج خانه خدا یا عمره به جا آورد، باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه را انجام دهد.»

۲- ۲. پیامبر ص فرمود:« بهترین چشمه جاری روی زمین، زمزم است» و به کسانی که ازمدینه به مکه مشرف می‌شدند، می‌فرمود:« برای من آب زمزم سوغات بیاورید.» امام صادق فرمود:« آب زمزم، شفای هر درد است.»

ص:۵۰

ص:۵۱

فصل دوم: آثار مذهبی مکه

غار حِرا

در چهار کیلومتری شمال مکه، کوهی است بلند به نام «کوه نور» یا «جبل النور» که در نزدیکی قلّه آن، غار «حِرا» قرار دارد. حضرت محمد (ص) پیش از بعثت، در آنجا با خدا خلوت می‌کرد. خداوند، امین وحی، جبرئیل را در غار حرا بر پیامبر ناز ل کرد و وحی چنین آغاز شد:

«بخوان به نام پروردگارت که [هستی را] آفرید؛ او که انسان را از خون لخته آفرید؛ بخوان [و بدان که پروردگارت [از همه چیز]

ص: ۵۲

گرامیتر است؛ خدایی که با قلم نوشتن آموخت و به انسان آنچه نمی دانست یاد داد.» «(۱)»

غار ثور

«کوه ثور» در سه کیلومتری جنوب شـهر مکه است که غار ثور بر روی آن واقع شده و پیامبر (ص) هنگام هجرت به سوی مدینه، سه شبانه روز در آن پنهان شـد و خداوند با بسـتن تار عنکبوت بر دهانه غار، آن حضـرت را از شـرّ مشـرکان نگاه داشت و پیامبر (ص) پس از رفع خطر به مدینه هجرت کرد. «(۲)»

شعب ابی طالب

شعب ابی طالب، یا شـعب علی، جایی است که مشـرکان مکه، پیامبر خـدا و بنی هاشم را حـدود سه سال در آنجا محصور کردنـد و مردم را از دیدار و معامله با آنان منع نمودند. ابتدای این مکان، از محدوده توسعه یافته مقابل صفا و مروه آغاز می گردد.

۱– ۱. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذی خَلَقَ، خَلَقَ الاِ نْسانَ مِنْ عَلَق، اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَم، الَّذی عَلَّمَ بِالْقَلَم، عَلَّمَ الإنْسانَ ما لَمْ یَعْلَمْ سوره علق: ۵–۱

۲– ۱. خداوند از این واقعه در قرآن، سوره توبه، آیه ۴۰ یاد کرده است.

ص: ۵۳

زادگاه پیامبر اسلام، داخل شعب بوده و هم اکنون تابلوی «کتابخانه مکه مکرمه» بر آن مکان قرار دارد.

قبرستان ابوطالب

این قبرستان محوطه وسیعی است و در کنار پل حجون قرار دارد. اکنون قبرستان مردم مکه است و به نامهایی از جمله: حجون، جنه المعلّا و بنی هاشم شهرت دارد.

بعضی از شخصیتهای مدفون در این قبرستان عبارتاند از: عبدالمطّلب (جد پیامبر)، ابوطالب (پدر امیر مؤمنان) و خدیجه (همسر پیامبر).

صحرای عرفات

در شرق مکه، سه ناحیه مقدس وجود دارد که عبارتاند از: عرفات، مشعر و منا. حاجیان از ظهر روز نهم ذیحجه تا مغرب همان روز، باید در این مکان وقوف نمایند.

ص: ۵۴

به گفته روایات، حضرت مهدی [همه ساله در چنین روزی،، در این مکان حضور می یابند.

گفته‌اند که آدم و حوّا نیز در این سرزمین با هم آشنا شدند. این سرزمین محل توبه، اعتراف به گناهان و رحمت بیکران الهی است.

یکی از جاهای مهم عرفات «جبل الرحمه» کوه رحمت است؛ بالای این کوه، محل نماز حضرت ابراهیم و پیامبرخدا بوده است.

حضرت امام حسین (ع) در روز عرفه، دعای معروف عرفه را در کنار این کوه خوانده‌اند.

مشعر الحرام

مشـعر، محدوده‌ای میان عرفات و منا است. حاجیان بعد از مغرب روز نهم ذی‌حجه، از عرفات به سـمت مشعر حرکت می‌کنند و آن شب را تا طلوع آفتاب روز بعد (عید قربان) در آنجا می مانند.

ص: ۵۵

پس از مشعر و قبل از منا، منطقه‌ای است به نام «وادی محسّر»؛ سپاهیان ابرهه که قصد تخریب کعبه را داشتند، در این مکان به هلاکت رسیدند. سوره فیل به این واقعه اشاره دارد.

سرزمین منا

حاجیان پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجه، از مشعر حرکت می‌کنند و برای اعمال روزها و شبهای دهم، یازدهم و دوازدهم به منا وارد می‌شوند. بعضی از اعمال این روز عبارت‌اند از:

«رمی جمرات»؛ در این مکان، آدم شیطان را که در پیِ وی می‌رفت، با افکندن سنگریزه از خود راند. حاجیان به پیروی از آن حضرت، به هر یک از نمادهای سه‌گانه شیطان، هفت سنگ پرتاب می‌کنند.

ص: ۵۶

«قربانی»؛ زنده نگه داشتن روح ایثار ابراهیم و تسلیم اسماعیل در برابر فرمان الهی است.

«تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر»؛ پایان احرام حاجی است.

مسجد «خَیف»؛ یکی از مساجد مهم، منا است؛ پیامبر خدا در این مسجد بسیار نماز گزارده و در روایت آمده است که هفتاد نفر از پیامبران در آن نماز خوانده‌اند.

همچنین مسجد «بیعت» به یاد پیمان عقبه میان پیامبر (ص) و مردم یثرب در اینجا قرار دارد.

ص:۵۷

ص:۵۸

بخش چهارم: احکام و مناسک

فصل اول: اعمال عمره مفرده

اشاره

«عمره» در لغت به معنای زیارت است و در اصطلاح فقه، زیارت خانه خداست، با آداب و احکام ویژه آن. از آن جهت به آن «عمره مفرده» گویند که به تنهایی و جدای از حج «(۱)» انجام می شود.

عمره مفرده به خودیِ خود «مستحب» است و در اسلام به انجام آن، تأکید فراوان شده است؛ اما با آغاز آن و گفتن لبیک، ادامهاش تا پایان اعمال «واجب» خواهد بود.

۱. احرام

زائران گرامی پس از اقامت در مدینه منوره، آنگاه که روانه مکه می شوند، باید در «مسجد شجره»- که در ۱۰ کیلومتری مدینه

---

۱ - ۱. حج، یکی از ارکان دین اسلام است و بر هر کسی که استطاعت داشته باشد، واجب است و در اصطلاح به آن« حج تمتع» گفته می شود. حج هر سال در ماه ذی حجه برگزار می شود و اعمال آن شامل دو بخش است: ۱. عمره تمتع ۲. حج تمتع.

« عمره تمتع» مشتمل بر پنج عمل است که بسیار شبیه به عمره مفرده می باشد.« حج تمتع» نیز مشتمل بر سیزده عمل است که از روزهای نهم تا دوازدهم ذی حجه انجام می پذیرد.

ص: ۵۹

واقع است- محرم شوند و برای انجام بقیه اعمال به سوی مکه حرکت کنند.

همچنین اگر افرادی بخواهند پس از اعمال عمره مفرده، عمره مفرده مجدد به‌جا آورند، باید به خارج حرم؛ مثلًا «تنعیم» یا «حدیبیه» یا «جِعرانه» رفته، از آنجا محرم شوند.

ص: ۶۰

واجبات احرام

واجبات احرام سه چیز است

الف- نیت احرام

زائر خانه خدا بایـد احرام را با قصد انجام عمره مفرده و با نیت خالص آغاز کند و به همین نیت، لبیک بگوید و همه اعمال را برای رضای پروردگار به سرانجام برسانـد. البته لازم نیست نیت را به زبان آورد، بلکه همین مقـدار که فرد بنا دارد اعمال عمره مفرده را آغاز کند و با همین قصد به پایان ببرد، کافی است.

ب- تلبیه

تلبیه؛ یعنی گفتن لبیک، و مقدار واجب آن، این جملات است:

«لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْک»

ص: ۶۱

و احتیاط مستحب «(۱)» است که پس از آن بگویند:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهَ لَکَ وَ الْمُلْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْک»

در ضمن باید ذکر لبیک را به عربی صحیح گفت و برای تمرین آن می‌توان از وجود روحانیون کاروان بهره جست. همچنین برای هفت مرتبه گفتن لبیک، ثواب زیادی ذکر شده است.

ج- لباس احرام

مردان، باید تمام لباس‌های دوخته خود را از تن در آورند (حتی لباسهای زیر و کوچک را)؛ و دو تکه لباس غیر دوخته بر تن کنند؛ یکی را مانند لنگ بر کمر ببندند و دیگری را بر شانه بیندازند.

بانوان می‌توانند در همان لباسی که بر تن دارند، مُحرم شوند و بیرون آوردن لباسهای دوخته و پوشیدن دو تکه پارچهای که مردان میپوشند، واجب نیست؛ هر چند مرسوم است که بانوان لباس سفید دوخته شده تهیه می‌کنند و فقط باید به یاد داشته باشیم که لباسها به هیچ وجه نازک نبوده، کاملًا ساده باشد و باید از پوشیدن هرگونه گلدوزی و تزیین خود داری کرد.

۱- ۱. مقلدین آیات عظام بهجت و صافی بنابر احتیاط واجب جمله دوم را نیز باید بگویند.

« پذیرایم، خداوندا! دعوتت را پذیرایم. دعوتت را پذیرا هستم، بر این باورم که شریکی برایت نیست، تو را اجابت می‌کنم».

ص: ۶۲

چند مسأله

۱. لباس احرام باید پاک و مباح «(۱)» باشد.

۲. اگر در حال احرام، بـدن یا لباس مُحرم نجس شود، هر چند احرام و اعمال عمره باطل نمیشود؛ ولی بنابر احتیاط واجب، باید بدن را تطهیر و لباس را تطهیر یا تعویض کرد.

۳. بانوان در حال احرام، بنابر احتیاط نباید لباس حریر بپوشند.

۴. پیش از احرام، غسـل کردن مسـتحب است و می‌توان این غسـل را در هتـل انجام داد. این غسل به نیت غسل احرام انجام میشود و میتوان به این نیت انجام داد که اگر احیاناً غسلی در سابق بر ما واجب بوده و انجام ندادهایم، به جای آن باشد.

۱- ۱. مباح؛ یعنی غصبی نباشد.

« همانا سپاس و نعمت و تمام هستی از آن تو است؛ برای تو همتایی نیست، گوش به فرمان تو هستم.»

ص:۶۳

۲. طواف

زائران، آنگاه کهکه در میقات مُحرم شدند، پس از نماز مغرب و عشا، برای انجام بقیه اعمال عمره، روانه مکه می‌شوند و در نیمه‌های شب به مکه مکرمه می‌رسند. جوانان عزیز باید با هماهنگی کامل و با همراهی مسؤولان و روحانی کاروان به طرف مسجد الحرام رفته اعمال خویش را به سرانجام برسانند.

احکام طواف

۱. به نیت طواف، باید هفت مرتبه به دور کعبه چرخید.

۲. طواف را باید از مقابل گوشه‌ای از کعبه، که حجر الأسود در آن قرار دارد آغاز و در همان جا به پایان برد. «(۱)»

۳. خانه کعبه، در حال طواف بایـد در طرف چپ طواف کننده باشد؛ بنابراین، اگر در حال حرکت رو به کعبه باشد و یا عقب عقب برود صحیح نیست.

۱- ۱. هم اکنون در آخر صحن مسجد الحرام، دقیقاً مقابل حجر الأسود، مهتابی سبز رنگی وجود دارد که در شب راهنمای خوبی برای زائران است.

ص: ۶۴

۴. محـدوده طواف در تمام اطراف کعبه، حـد فاصل بین «کعبه» و «مقام ابراهیم» است که حدود ۱۳ متر می باشد. بنابراین، از طرف حجر اسماعیل این فاصله کم می‌شود، که حدود ۳ متر باقی میماند. «(۱)»

۵. طواف کننـده بایـد با طهارت باشـد؛ یعنی با وضو داشـته و غسـلی بر عهـدهاش نباشـد «(۲)» و نیز بـدن و لبـاس وی پاک باشـد، همانگونه که در نماز چنین است.

۶. از آن جهت که جوانان عزیز، کسب و کار مسـتقلی ندارنـد و با هزینه پـدر و مادر خود به این سـفر آمدهاند، خمس بر آنها تعلق نمیگیرد. با این حال بهتر است هزینه خرید لباس احرام را محاسبه و یک پنجم آن را به عنوان «خمس» بپردازند.

۱– ۱. مقلدین آیات عظام: خامنه ای، مکارم شیرازی، نوری همدانی، صانعی، سیستانی و صافی لازم نیست که این فاصله را مراعات کننـد و طواف خارج از این محدوده نیز صـحیح است، هر چند بهتر است که در همین محدوده طواف کنند و به خصوص در هنگام انجام اعمال عمره حتماً با روحانی کاروان و با جمع هم کاروانیان طواف نمایند.

۲– ورود اشـخاص با حالت جنابت و همچنین ورود بانوان در ایام عادت به داخل مسجد الحرام و مسجد النبی حرام است و باید پس از برطرف شدن عذر و انجام غسل وارد این دو مکان شوند و یا آنکه اقدام به طواف نمایند.

ص: ۶۵

(ع). اگر کسی وضو دارد و شک میکند که وضویش باطل شده یا خیر، بنا بگذارد بر این که وضو دارد و لازم نیست وضو بگیرد. بنابراین، در ابتدای اعمال وضو گرفته و هیچ گونه شک و وسواسی به خود راه ندهیم. اما اگر به هر دلیل وضو باطل شود، باید طواف را قطع کرد (و آن نقطه را به خاطر سپرد)، سپس تجدید وضو کرده، در باره کیفیت ادامه اعمال، با روحانی کاروان مشورت نمود.

۸. زائران محترم سعی کنند در حال طواف از هر کاری که سبب حواس پرتی و شک و وسوسه است بپرهیزند و تعداد دورهای طواف را در خاطر خود نگه دارند، چون اگر در تعداد دورهای طواف شک کنند، در اکثر موارد طواف باطل است و باید طواف را دوباره انجام دهند. بهترین راه برای جلوگیری از هرگونه مشکل احتمالی، آن است که طواف همراه با روحانی کاروان و دسته جمعی به جا آورده شود و هنگام هر دور از طواف، مشغول قرائت ادعیه آن دور باشد. «(۱)»

۱- ۱. ادعیه دورهای طواف در پایان کتاب ذکر شده است.

ص: ۶۶

(ص). یکی از اعمال مستحب در مکه معظمه، طواف کعبه است. طواف مستحب همانند طواف واجب است و انسان می‌تواند، هفت دور را- که یک طواف گویند- به نیت یک یا چند نفر انجام دهد.

۳. نماز طواف

پس از طواف، باید بلافاصله دو رکعت نماز به نیت «نماز طواف»، پشت مقام ابراهیم به جا آورد؛ طوری بایستد که مقام، بین نمازگزار و کعبه قرار گیرد.

گفتنی است به علت ازدحام جمعیت در این مکان، باید مواظب باشیم که مزاحم دیگران نشویم و از مقابل نمازگزاران حرکت نکنیم. خواهران محترم نیز باید در پشت سر آقایان (آنجا که برای بانوان مشخص شده است) نماز را به جا آورند.

ص: ۶۷

درضمن، نماز طواف مستحب را میتوان درهر جای مسجد الحرام به جا آورد.

تصحیح نماز

بر تمام افراد واجب است که نمازها را به طور صحیح یاد بگیرند تا تکلیف الهی را درست انجام دهند. بهترین فرصت برای تصحیح نماز، در ایران و قبل از سفر است؛ برای این منظور استفاده از نوارهای آموزشی توصیه میشود. همچنین قرائت نماز در محضر روحانی کاروان، سنتی بسیار پسندیده و نیکو است.

۴. سعی بین صفا و مروه

پس از انجام طواف و خواندن نماز آن، باید هفت مرتبه، فاصله میان صفا و مروه را پیمود. سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود.

ص: ۶۸

چند مسأله

۱. پیمودن فاصله صفا تا مروه، یک مرتبه است و برگشتن از مروه به صفا مرتبه دوم به حساب می‌آید؛ بنابراین، پایان هفت دور سعی بر مروه ختم میشود.

۲. زائر باید در هنگام سعی، رو به جلو باشد و عقب عقب یا به پهلو نرود؛ ولی نگاه کردن به چپ و راست و گاهی به پشت سر مثلًا برای آنکه ببیند همراهان او می آیند یا نه، اشکال ندارد.

۳. نشستن و استراحت کردن و رفع خستگی بر صفا و مروه و در بین آنها جایز است و اگر در بین سعی باشد، باید از همانجا که سعی را قطع کرده، ادامه دهد.

۴. سعی میان صفا و مروه لازم نیست با وضو و طهارت انجام شود؛ گر چه با وضو بودن بهتر است.

ص: ۶۹

۵. سعی به هر نحو باشد صحیح است؛ پیاده یا سواره، تند و یا آهسته.

۶. در قسمتی «(۱)» از سعی مستحب است مردان هروله کنند؛ یعنی کمی تندتر بروند. این عمل تنها بر مردان مستحب است.

(ع). خواندن دعاهای «(۲)» وارد شده هنگام سعی، از طرف اهل بیت: و دعا برای مؤمنان و به ویژه پدر و مادر بسیار مورد تأکید است و مستحب است زائر در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وا دارد.

۵. تقصیر یا حلق

پس از سعی، باید «تقصیر» کرد؛ یعنی قدری از ناخن یا موی سر را باید چید.

مردان میتوانند موی صورت خود را نیز بچینند، همچنین می توانند «حلق» کنند، یعنی سر را بتراشند.

۱- ۱. آن قسمت، امروزه با خط و چراغ سبز رنگ معین شده است.

۲- ۲. دعاهای مهم سعی در فصل پایانی کتاب آمده است.

ص: ۷۰

چند نکته

۱. پس از تقصیر، هرچه به واسطه احرام بر فرد حرام شده بود، حلال میشود. «(۱)»

۲. تقصـیر مکان معینی نـدارد، گر چه اکنون متعارف است که بعـد از سـعی، در مکان مروه تقصـیر میکنند. بانوان اگر میخواهند در مروه تقصیر کنند، باید مواظب باشند که نامحرم موی آنها را نبیند.

۳. کسی که خودش تقصیر نکرده، نمی تواند موی شخص دیگری را بچیند.

۶ و ۷. طواف نساء و نماز آن

پس از تقصیر، باید هفت دور به نیت «طواف نساء» به دور کعبه بگردد و پس از آن، دو رکعت نماز، پشت مقام ابراهیم به نیت نماز طواف نساء به جا آورد.

طواف نساء و نماز آن، با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد (به جز در نیت).

نماز طواف نساء آخرین عمل عمره مفرده است و با انجام آن، اعمال عمره مفرده به پایان میرسد.

۱- ۱. دو مورد از محرمات احرام، پس از طواف نساء حلال می شود؛ استفاده از بوی خوش و همسر.

ص:۷۱

فصل دوم: محرمات احرام

اشاره

زائر، پس از پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن لبیک، مُحرم می‌شود و باید تا پایان اعمال عمره، از کارهایی که بر محرم حرام است بپرهیزد. ۲۴ عمل بر محرم حرام است که چهار مورد آن، تنها بر مردان حرام است و دو مورد بر بانوان و بقیه آنها، هم بر مردان و هم برزنان حرام است.

اکنون به بیان محرماتی می پردازیم که بیشتر مورد ابتلا است وامکان نیاز به آنها بیشتر است.

ص:۷۲

محرمات مشترک

۱. استفاده کردن از عطر

استفاده از انواع عطرها؛ عطر زدن به لباس و بدن و حتی پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد جایز نیست.

چند نکته:

الف- خوردن چیزی که بوی خوش دارد؛ مانند غذایی که زعفران در آن است جایز نیست. اما خوردن و بوییدن میوههای خوشبو اشکالی ندارد.

ب- بوییدن گلها و سبزیهای خوشبو، جایز نیست.

ج- گرفتن بینی از بوی بد جایز نیست.

د- استفاده از صابون، شامپو و خمیر دندان خوشبو در حال احرام جایز نیست.

ص: ۷۳

۲. نگاه کردن در آیینه

از محرمات احرام، نگاه کردن در آینه به قصد آرایش و زینت کردن است.

اگر در اتاقی که محرم ساکن است، آینه باشد و بداند که گاهی ناخواسته و به طور اشتباه چشم او به آینه میافتد، اشکال ندارد، ولی بهتر است که آن را بر دارد یا چیزی روی آن بیندازد.

۳. روغن مالیدن به بدن

در حال احرام، مالیدن روغن به بدن؛ مانند کرم، حرام است.

۴. زدودن مو از بدن

در حال احرام، چیدن و زدودن مو از بدن خود یا دیگری حرام است. اما اگر در هنگام وضو یا غسل، بدون قصد، مویی کنده شود، اشکال ندارد.

۵. ناخن گرفتن

چیدن و کوتاه کردن ناخن دست و یا پا حرام است. «(۱)»

۱- ۱.« زدودن مو از بدن» و« گرفتن ناخن» در حال احرام حرام است، ولی هنگام تقصیر و در پایان احرام واجب است.

ص:۷۴

محرمات مخصوص مردان

۱. پوشیدن جامه دوخته

مردان نباید لباس دوخته؛ مانند پیراهن، زیرجامه، شلوار، کمر بند «(۱)» دوخته شده و ... را بپوشند.

۲. پوشاندن تمام روی پا

چیزیکه تمام روی پا را میپوشاند؛ مانند کفش، جوراب و ... نباید پوشید؛ البته پوشیدن دمپایی که تمام روی پا را نگیرد اشکال ندارد.

۳. پوشاندن سر

مردان، نمیتوانند همه سر یا قسمتی از آن را با چیزی بپوشانند.

بنابراین، بر سر گذاشتن کلاه و یا انداختن پارچه بر سر و یا حتی خشک کردن سر با حوله، به صورتی که سر را بپوشاند، جایز نیست.

۱- ۱. استفاده از کمر بند دوخته شده جایز نیست، اما از کمر بندهای پرس شده می توان استفاده کرد.

ص: ۷۵

۴. رفتن به زیر سایه

مُحرم، هنگـام سـفر در روز، آنگـاه که در حال حرکت است، نبایـد زیر سایه قرار گیرد (مثلًا چتر بالای سـر بگیرد یا سوار بر ماشـین سقف دار شود). «(۱)»

محرّمات مخصوص بانوان

۱. استفاده از وسایل زیور و زینت

پوشـیدن زیور آلات بر زن، در حال احرام، حرام است؛ البته، زیورهایی که قبل از احرام به پوشـیدن آن‌ها عادت داشـته، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد، ولی در هر صورت جایز نیست آن را به مرد نشان دهد.

۲. پوشاندن صورت

زن مُحرم نبایـد تمام یا قسـمتی از صورت خود را با نقاب، رو بند و حتی برای خشک کردن صورت با حوله بپوشاند. بنابر این، باید صورت به مقداری که در وضو شسته می شود باز باشد.

۱- ۲. از آن جهت که برنامه حرکت از مسجد شجره به مکه در شب انجام می شود، پیمودن راه با ماشین سقف دار اشکالی ندارد.

ص:۷۶

فصل سوم: چند نکته درباره نماز در مکه و مدینه

۱. زائران، وقتی کمتر از ۱۰ روز در مکه یا مدینه میمانند، باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخوانند، به جز در مسـجد الحرام و مسـجد النبی، که می توان در آنها، نماز را شکسته یا تمام خواند. «(۱)» بنابراین، در نماز جماعت این دو مسجد، نماز با اهل سنت و تمام خوانده شود.

۲. در مسجد النبی سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست. «(۲)»

۱- ۱. مقلـدین آیـات عظـام: خـامنه ای، سیسـتانی، فاضل، مکارم و صافی می تواننـد در تمام شـهر مکه و مـدینه نمازشان را تمام یا شکسته بخوانند.

۲- ۲. در مسجد الحرام، زمین سنگ فرش مرمر است و بنابر این، نماز خواندن بر سنگ اشکالی ندارد.

ص: ۷۷

۳. خارج شدن از مسجد الحرام یا مسجد النبی، هنگام شروع نماز جماعت جایز نیست.

۴. میان نماز اهل سنت و شیعه، تفاوتهایی وجود داردکه به مواردی از آنها اشاره می شود:

در عربستان، اذان و اقامه با فاصله نسبتاً طولانی و در دو نوبت از بلندگو پخش می‌شود و نمازها در پنج نوبت اقامه میشود.

- اهل سنت، بعد از حمد در نمازهای صبح، مغرب و عشاء، با صدای کشیده «آمین» می گویند؛ در فقه شیعه، آمین گفتن پس از قرائت حمد، موجب باطل شدن نماز میشود و مستحب است آهسته، «الحمد الله رب العالمین» گفته شود.

- اهل سنت، پس از ذکر رکوع، مکث زیادی دارند و ذکر «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» را طولانی قرائت میکنند؛ بنابراین، نماز گزار نباید پس از برخاستن از رکوع، سریع به سجده رود، بلکه باید صبر کند و همراه با جماعت به سجده رود.

ص: ۷۸

- در نمازهای اهل سنت، گرفتن قنوت معمول نیست؛ در فقه شیعه نیز قنوت مستحب است، بنابراین، لازم نیست در نمازهای جماعت با اهل سنت قنوت خوانده شود.

- در مسجد الحرام و مسجد النبی، رسم بر این است که بعد از نمازهای واجب، معمولًا نماز میت خوانده می‌شود. این عمل مستحب و شرکت در آن پسندیده است.

ص:۷۹

ص:۸۰

بخش پنجم: معارف عمره

اشاره

آشنایی با اسرار حج، روح را به حقیقت اعمال آشنا میکند و آرامشی خاص در انسان پدید میآورد.

حج و عمره، سیر و سلوک ملکوتی است. تفکّر و تدبّر در هر یک از اعمال و منازل؛ رازهای عرفانی و اخلاقی و تربیتی را آشکار می کند و روح سرگشته آدمی را با صاحب خانه پیوندی همیشگی میبخشد.

بسیاری از جوانان در روزهای نخست سفر می‌پرسند: چرا حال و هوای زیارت و راز و نیاز ندارند؟!

در پاسخ می‌توان گفت: اگربخواهیم روح معنوی پیدا کنیم، اولًا نباید توقع داشت که یک شبه ره صد ساله را پیمود.

ص: ۸۱

ثانیاً بـا امیـد به پروردگـار، تأمـل در دیـدنیهای مقـدس این سـفر و دقت در اسـرار و رموز اعمال، می‌توان گام نخست قرب الهی را برداشت و خانه دل را نورانی کرد. از هیچ چیز سـر سـری نگذریم و روی تمام شـنیدهها، تاریخ پر فراز و نشـیب مکه و مدینه و تک تک اعمال عمره به دقت بیندیشیم که تفکّر خود یک عبادت محسوب می‌شود.

احرام؛ همگام با سپید جامگان

احرام، لباس بندگی و نمادی از پاکی جان و روشنایی دل است؛ احرام، تمرین فرمانبرداری از حق و حرکت در مسیر خداست. در «میقات» احرام میبندیم و در آنجا تولّدی دیگر مییابیم.

ص: ۸۲

لباسهای دنیا را در می‌آوریم و تصمیم می گیریم «لباسگناه» را هم از خویشتن دور کنیم.

«غسل» می کنیم، خویشتن را از گناهان می شوییم تا با طهارت قلب و روح وجسم، لباس احرام بپوشیم؛ لباسی سفید، پاک و حلال، لباس اطاعت از پروردگار!

لباس احرام، شبیه «کفن» است و حضور درمیقات، همانند حضور در برابر محضر ربوبی در روز قیامت است.

آماده تکبیره الإحرام میشویم، چون احرام همانند تکبیره الإحرام در نماز است. نمازگزار باید خود را از همه چیز رها کند و تنها متوجه خدا شود و آنچه را بر او حرام است مرتکب نشود «(۱)»

۱- ۱. امام رضا ع در فلسفه احرام فرموده‌اند:« به مردم دستور داده شده با احرام وارد حرم امن خدا شوند؛ برای آنکه حالت خشوع یافته، به امور بیهوده ونیز زر و زیور و امور دنیایی سرگرم نشوند و در کاری که انجام می‌دهند جدی باشند و با تمام وجود به سوی خدا حرکت کنند.»

ص:۸۳

لبیک، پاسخ به دعوت خداوند

بـا گفتن ذکر «تلبیه» انسـان به دعوت الهی پاسـخ مثبت داده، احرام تحقق می یابـد. در آن هنگام، دل آدمی فرو می‌ریزد و اشک از دیـدگان جاری می گردد؛ زیرا انسان خود را میهمان و دعوت شـده پروردگار می بیند. عمره گزار با لبّیک گفتن، در حقیقت با خدا پیمان میبندد که جز به اطاعت خدا زبان نگشاید و زبان خود را برای همیشه بر همه گناهان ببندد.
باخـدا پیمان میبنـدد که در همه حال تسـلیم اوامر الهی گردد و حلال و حرام را پاس بـدارد. انسان به این تعهّـد افتخار می کند؛ و به همین علت، مستحب است آن را تکرار کند و با صدای بلند بگوید؛ به امید آنکه دل؛ پاسخی بشنود. «(۱)»

۱- ۱. در روایات آمده است که امام صادق ع همین که لباس احرام پوشید و خواست لبیک بگوید، از گریه، صدا در گلوی مبارکش حبس شـد. هرچه کرد نتوانست تلبیه بگویـد، رهبر یکی ازفرقه هـای اهـل سـنت رو به آن حضـرت کرد و گفت: چرا معطلی؟! امـام فرمود: می‌ترسم بگویم« لبیک»، خدایا! آمدم، ولی جواب آیدکه من آمدن تو را قبول ندارم!

ص:۸۴

طواف، همگام با فرشتگان

پس از احرام در میقات، راهیِ مکه می شویم؛ با رسیدن به این شهر، احساس آرامش می کنیم.

سلام کعبه، سلام آستان سبز سجودم سلام قبله من! هستی ام! تمام وجودم!

سلام، عشق نجیبی که صاف و ساده و پاکی فدای نیم نگاهت، تمام بود و نبودم

دلم کبوترکی بود از نژاد، تحیّر که سر بریده‌ام آن را در آستان ورودم

همینکه نگاه ما به کعبه میافتد، گریه امانمان نمی‌دهد؛ سر بر سجده می نهیم و با خدای مهربان گفت وگو میکنیم. چه شیرین است حاجت خواستن در آن حالت اول! در یک لحظه همه را به یاد می‌آوریم و دعایشان می کنیم؛ پدر و مادر، اقوام، دوستان و ....

ص: ۸۵

وقتی کمی دقت میکنیم، آدم (ع) را در نظر میآوریم که به طواف مشغول است. ابراهیم (ع) را که بـا کمـک اسـماعیل، کعبه را بنا می کنـد. هاجر را که با فرزنـد خردسالش سـیراب شـده و در کنار کعبه (در حجر اسـماعیل) منزل گزیده است. موسـی را، عیسـی را ومحمد: را که با یارانشان از «باب الفتح» وارد مسجد می‌شوند. علی (ع)، مولود کعبه بر شانه پیامبر رفته، بت ها را می‌شکند ....

خـدایا! چه می‌بینم؟! مهـدی موعود [از کنـار حجر الأسود ظهور کرده و فریاد بر آورده است: مهـدیا، کعبه شـد از شوق تو بی تاب، بتاب!

*** طواف، تنهـا عملِ عمره است که همراه با نمازش، بایـد با طهارت انجام شود؛ بـدینسان طواف همسان نماز است که به صورت متحرک دور خانه انجام میشود. «(۱)»

۱- ۱. امیر مؤمنان علی ع می‌فرمایند:« خداوند ۱۲۰ رحمت در کنار خانه خویش قرار داده است؛ ۶۰ رحمت برای طواف کنندگان، ۴۰ رحمت برای نماز گزاران و ۲۰ رحمت برای نگاه کنندگان به کعبه.»

ص: ۸۶

طواف، انسان تک نگر و تک بُعدی را به همه سونگری فرا می‌خواند و توجه او را از یک جهت به همه جهات سوق می دهد.

طواف، سمبل توحید است؛ راهنمایی برای هدف داشتن در زندگی است؛ «(۱)»

شمعی است که به یاد معبود، باید پروانه وار به دور آن چرخید.

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود

حاجی، احرام دگر بند، ببین یار کجاست

امام صادق (ع) می فرماید: «وَ طُفْ بِقَلْبِکَ مَعَ الْمَلَائِکه»؛ «با قلب خود، هماهنگ با فرشتگان- که در حریم عرش خدا به طواف مشغولند- طواف کن.»

طواف برگرد کعبه، به عنوان خانه‌ای که از هرگونه آلودگی پاک است، درس طهارت و دستور پاکیزگی می‌دهد؛ پاک شدن از هر بدی، شرک و عیب و هجرت و حرکت به خوبی‌ها و خدای خوبی‌ها.

۱- ۲. در روایت است که راز چهار ضلعی بودن« کعبه» این است که بر چهار کلمه بنیان نهاده شده:« سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَر» و چه زیباست که انسان در حال طواف به این چهار کلمه‌ای که نظام هستی بر آن بنا شده، بیندیشد و زندگی و آینده خویش را بر آن بنا نهد.

ص: ۸۷

نکته مهم در طواف این است که همراه این جسم خاکی، فکر و اراده و خواسته ها و اعمال و رفتار ما بر محور «خدا» بچرخند.

عاشقان اول طواف کعبه جان کرده اند پس طواف کعبه تن فرض فرمان دیدهاند

آغاز و پایان طواف از «حجر الأسود» است؛ پس در هر دور باید با این سنگ بهشتی- که گنجینه بزرگترین اسرار است- عهد و پیمان ببندیم.

تا عهد تو در بستم، عهد همه بشکستم بعد از تو روا باشد، نقض همه پیمان ها

چرا باید در طواف، پیرامون «حجر اسماعیل» نیز بچرخیم؟! حِجر، محل دفن هاجر، اسماعیل و بسیاری از انبیا است. برای تعظیم و احترام به آنان، باید به دور حجر نیز بگردیم و اینچنین خداوند مؤمنانش را تکریم میکند.

ص: ۸۸

چرا هفت دور طواف می‌کنیم؟ راز و رمز اعداد مقدس را نمی‌دانیم، ولی این هفت با هفت آسمان و زمین، هفت بطن قرآن و هفت روز هفته بی ارتباط نیست. انسان به نیابت هر روز هفته در سراسر عمرش یک دور طواف و یک سعی میان صفا و مروه دارد؛ یعنی تمام عمر را در حال طواف و سعی است. «(۱)»

نماز، گفت وگو با خدا

نماز، ستون دین، سیمای مکتب، نشانه اسلام، اساس دین، معراج مؤمن، پیمان خداوند، میزان اعمال، کلید بهشت، اولین عملی که در قیامت از آن سؤال میشود، آخرین سفارش انبیا و اولیا، کوبنده شیطان، داروی تکبّر، نور چشم پیامبر، وسیله نزدیک شدن به خدا، سبب آمرزش گناهان و یاد خداست و یاد خدا، آرام بخش دل ها و جان‌ها است!

۱- ۱. در روایات معصومین آمده است که پس از آفرینش آدم و دستور خدا به فرشتگان برای سجده به او، فرشتگان شگفت زده شدند و خداوند بر آنها غضب کرد، ملائک طلب توبه کردند و پروردگار دستور داد تا« بیت المعمور» را طواف کنند، ملائک هفت سال آن را طواف کردند و استغفار نمودند و خداوند توبه آنها را پذیرفت. سپس خدای تعالی برای فرزندان حضرت آدم، کعبه را در زیر بیت المعمور قرار داد، تا محل توبه و پاک شدن از گناهان باشد. پس، طواف بر بندگان هفت دور واجب شد؛ هر سال یک دور.

خانه کعبه خانه دلهاست ساحت قدس و جلوهگاه خداست

نیکبخت آن که همچو پروانه درطواف است گرد آن خانه

ص: ۸۹

امام حسین (ع) در ظهر روز عاشورا و در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن، نماز را رها نکرد.

ابراهیم (ع) همسر و کودک خویش را در بیابانهای داغ مکه- آن هنگام که هیچ آب و گیاهی نداشت- مسکن داد و گفت: «خدایا! تا نماز به پا دارند.» «(۱)»

حال، پس از پایان طواف، مطابق سنت ابراهیم، در پشت جایگاه او (مقام ابراهیم) و به سوی کعبه نماز می‌خوانیم؛ زیرا که خداوند در قرآن کریم دستور داده است: «در مقام ابراهیم نماز بخوانید و آنجا را جایگاه پرستش خدا قرار دهید.» «(۲)»

مقام ابراهیم رمزی است از مقام امامت، امت

۱- ۲. رَبَّنا لِیُقیمُوا الصَّلاه. ابراهیم: ۳ ع

۲- ۱. وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهیمَ مُصَلًّی. بقره: ۱۲۵

ص: ۹۰

ابراهیمیِ حجگزار با این عمل، درس سازش ناپذیری با کفر را از قهرمان توحید می‌آموزد و به همین منظور به او اقتدا می‌کنند.

آری، امامت در اسلام به قدری اهمیت دارد که سنگی هم که زیر پای امام بوده، باید در نماز، جلوی ما قرار گیرد و ما پشت آن به نماز بایستیم! در طواف نیز، حرکت باید میان «کعبه» و «مقام» باشد؛ یعنی، میان «توحید» و «امامت».

مستحب است بعد از نماز طواف، مقداری از بهترین آب روی زمین «آب زمزم» نوشید و سر و صورت خود را با آن صفا داد، به امید آنکه زمزم عقل و خِرد در وجودمان بجوشد و بدیها و زشتیهایمان شسته شود.

ص:۹۱

سعی، حرکت به سوی خوبیها

سعی میان صفا و مروه، اقتدا به هاجر است؛ او که با قلبی پر امید و ایمانی استوار، فاصله پر فراز و نشیب را در آن لحظات تنهایی، هفت بار به این سو و آن سو دوید تا جرعه‌ای آب بیابد و فرزند تشنه کامش را از مرگ رهایی بخشد و سرانجام به نتیجه رسید. «(۱)»

مسلمانان در این برنامه نمادین، با الهام از سعی هاجر می‌آموزند که در سختی‌های روزگار باید علاوه بر توکل و دعا، به کار و کوشش بپردازند و از گوشه نشینی و زانوی غم در بغل گرفتن دوری گزینند؛ زیرا همراه با سعی و کار خستگی ناپذیر بود که چشمه زمزم به جریان افتاد. «(۲)»

۱- ۱. شیعیان در سعی، ناخود آگاه به یاد طفل شش ماهه اما م حسین ع در کربلا میافتند و اینکه چگونه با خون گلو سیراب شد!

۲- ۲. در باطن سعی بین صفا و مروه، چشمه زمزم نهفته است. سراب‌های فریبنده نباید انسانی را به یأس بکشاند، که یأس چشمه روح را می‌خشکاند. سر انجام سعی، چشمه زلالی است که از زیر پای اسماعیل جوشیده است. در مسیر خوبی‌ها خسته نشو و استقامت داشته باشد، تا دعاهایت مستجاب و به چشمه فطرت پیوند خوریم.

ص: ۹۲

و نیز میآموزند که متواضع و فروتن باشند؛ چرا که همه با لباسی سفید و ساده برای حل مشکلات و سعادت خویش، سراسیمه در حرکتاند.

امام صادق (ع) میفرمایند: «مکانی پیش خدا محبوب تر از مسعی (محل سعی) نیست؛ زیرا در آن‌جا هر جبار و ستمگری ذلیل و خوار میگردد.» «(۱)»

همچنین آن حضرت می‌فرمایند: «با توقف بر صفا، روح ضمیرت را برای دیدار خدا در قیامت تصفیه کن و با رسیدن به مروه، مروت و جوانمردی را برای خداوند در پیش گیر.» «(۲)»

---

۱ – ۳. مستحب است مردان قسمتی از سعی را با مهتابی سبز رنگ مشخص شده کمی تند تر حرکت کنند. این مکان، جایی است که شیطان قصد فریب ابراهیم را داشت و آن حضرت با سرعت از او اعراض کرد.

۲– مستحب است انسان در حال سعی، دعا بخواند و خود را به گریه وادارد و مرتب بگوید: العفو، العفو، العفو.

ص:۹۳

تقصیر؛ زدودن بدیها

در مسجد شجره احرام بستیم و آمدیم و اکنون به پایان احرام می‌رسیم و با کوتاه کردن مو یا ناخن، از احرام خارج می شویم. باید مظاهر زیبایی را در مقابل دوست قربانی کرد، سر بر آستانش فرود آوریم و از مو و زیباییها بگذریم. از آلودگیها رهایی یابیم و دل را پاک کنیم.

*** پس از تقصیر، بار دیگر وظیفه انجام طواف است؛ چونان طواف پیشین، ولی به نیت «طواف نساء».

طواف وداع؛ پایان سفر و آغاز رسالت

می‌روم و زسر حسرت به قفا می نگرم که من دلشده این ره نه به خود می‌سپرم

مستحب است که زائر برای آخرین بار طواف وداع کند و از خانه خدا بیرون آید؛ هفت دور پیرامون کعبه طواف کرده

ص: ۹۴

و دو رکعت نماز بگذارد، سپس آب زمزم بنوشد و سر بر سجده نهد و از خداوند تقاضای توفیق زیارت مجدد خانه‌اش را نماید.

در طواف وداع، لازم نیست دعاهایی به عربی خوانده‌شود، بیشتر به زبانهای مادری خود، ساده و صمیمی و راحت، دردها و رازها را نجوا کنیم. گویا با مادر خویش سخن میگوییم؛ آری، خدا حتی از مادر بیشتر دوستمان دارد.

آخرین لحظات حضور در مسجد الحرام است. نگاهی حسرت بار به کعبه می‌کنیم و با تمام وجود میگوییم؛ خدا حافظ ای کعبه! خدا حافظ ای قبلهام در نماز! خدا حافظ ای زادگاه علی!

خداحافظ ای صفا، مروه، ای زمزم، ای مقام!

ص: ۹۵

«حجر الأسود»، ای سنگ بهشتی! بار دیگر ما را به این سفر دعوت کن! عنایتی کن تا همیشه به یاد تو باشیم. کعبه، ما می‌رویم، اما هر روز پنج بار رو به تو نماز می‌گزاریم و خاطرات حضور با تو را در یادمان خواهیم داشت و آن راز و نیازها و آن تعهدات و پیمان‌ها همیشه با ما خواهد بود.

پروردگارا! من دراینجا چه بسیار چیزها دیدم، من تو را با تمام وجود حس کردم. جای پای آدم و ابراهیم را مشاهده کردم. هاجر را دیدم که دوان دوان در پی اسماعیل بود. سجدگاه محمد (ص) را دیدم. با تو گفت وگو کردم و حال که به وطنم میرسم، سوغاتی من روح

ص: ۹۶

معنوی‌ای است که از شما کسب کرده‌ام. کم‌کم کن جرعه‌ای از آن را به اقوام و دوستان تشنه‌ام هدیه کنم.

خدایا! معبودا دعایم را مستجاب فرما: (رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا).

ای مونس! در تنهایی یاورم باش و در دو راهی چراغ راهم!

ای عزیز! به وعده‌هایت دل بسته‌ام و تمام وجودم از امید به تو لبریز شده؛ ما را به امیدمان خریدار باش و با خورشید کعبه پیوند زن.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است به صد دفتر نشاید گفت وصف الحال مشتاقی.

ص:۹۷

زمزمه‌های وداع

مدینه! شهر رسول خدا! خداحافظ مزار گمشده! گلدسته‌ها! خداحافظ

کمیل و ندبه و شب‌های اشک و دلتنگی کبوتران غریب آشنا! خداحافظ

بقیع! گنبد خضرا! مزار بی فانوس بهشت گمشده در غم‌رها، خداحافظ

زمین داغ! هوای گرفته و ابری بنای مرمری و دلگشا، خداحافظ

غروب غم انگیز پشت قبرستان سپیده‌های سلام و دعا، خداحافظ

ستون توبه! در سوخته! خیابانها مدینه! شهر رسول خدا، خداحافظ

ص:۹۸

خداحافظ ای کعبه

خداحافظ ای کعبه، ای بزم یار خداحافظ ای بیت پروردگار
خداحافظ ای محفل اهل راز خداحافظ ای قبلهام در نماز
خداحافظ ای کوی مطلوب من خداحافظ ای بیت محبوب من
خداحافظ ای از تو دل منجلی خداحافظ ای زادگاه علی
اگر میهمان بدی بوده‌ام به دامان پاك تو رخ سوده‌ام
از این در برون با چه حالی روم مبادا که با دست‌خالی روم
اگر خواهی از خود جدایم کنی کرم کن که عبد خدایم کنی
صفایی دگر بر روانم بده امام زمان را نشانم بده

ص:۹۹

ص:۱۰۰

بخش ششم: نکته‌ها و تجربه‌ها

امام صادق (ع) خطاب به شیعیان فرمودند:

«هر یک از شما تقوا را رعایت کند، با صداقت باشد و با مردم به نیکی رفتار کند، «جعفری واقعی» است. در چنین صورتی استکه ما خوشحال خواهیم شد؛ زیرا دیگران خواهند گفت که این از آثار تربیت جعفر است. اگر جز این باشد، ناراحتی و خواری گریبانگیر ما میشود.»

آری، زائر شیعی، نماینده شیعه وکشور شیعی در سرزمین وحی است؛ پس همگان، ویژگیهای شیعیان را در اعمال زائر شیعه جست و جو می کنند.

ص: ۱۰۱

رعایت نکتهها و یادآوریهای زیر و بهرهمندی از تجربیات دیگران، سفر دانش آموزان عزیز را در این سفر معنوی پربارتر میسازد و خاطرهای خوش برای همه ایام عمر باقی میگذارد.

۱. پیش از سفر، در جلسات آموزشی و توجیهی شرکت کنید و افزون بر فراگیری احکام و مسائل، به آنچه توسط مدیر کاروان و روحانی در رابطه با شأن و مقرّرات تذکر داده می‌شود، توجه نمایید.

۲. رعایت نظم و انضباط در سفر؛ مانند سوار شدن به هواپیما و پیاده شدن از آن، ورود و خروج به آسانسورها در هتلهای مکه و مدینه، سوار شدن به اتومبیل با شمارهای که اعلام شده، حفظ آرامش در طبقات هتل و اتاق ها و ... نشانه شخصیت افراد است.

ص: ۱۰۲

۳. همراه داشتن کارت شناسایی، نشانی هتل مکه و مدینه، دفترچه پزشکی و واکسیناسیون و دقت در نگهداری بلیت و گذرنامه و خودداری از همراه بردن کلید اتاق به بیرون از هتل، از اموری است که باید رعایت شود.

۴. پیش از ورود شما به مکه یا مدینه، اتاقها شماره بندی شده که در آنها اسکان خواهید یافت. با ورود به ساختمان از سر و صدا، تعویض اتاق و عجله و شتاب پرهیز و متانت را در همه جا حفظ کنید.

ص: ۱۰۳

۵. در مکه و مدینه، همه روزه جلسات معارف، مناسک و اخلاق تشکیل می‌شود، در این جلسات حضور جدی داشته باشید و ضمن یادگیری مسائل و اسرار حج، قرائت نمازتان را نیز اصلاح کنید و اشکالات آن را بر طرف سازید. همچنین خواهران مسائل ویژه شرعی خود را از روحانی بپرسند.

۶. شایسته است با حجاج سایر کشورها به گرمی بر خورد کنید. باگفتن «السلام علیکم» به آنان سلام و احترام کنید و با ایشان انس بگیرید. همچنین در برخورد با مردم عربستان و کسبه و مأموران، ادب را مراعات کنید.

ص: ۱۰۴

(ع). در مساجد مکه و مدینه، در میان صفوف نمازگزاران و جلوی کسانی که نماز میخوانند راه نروید. همچنین خواهران برای اقامه نماز، هیچگاه جلوتر از آقایان نایستند.

۸. زمان حضور بانوان برای زیارت مرقد پیامبرخدا (ص) صبح ها بعد از ساعت (ع) تا یک ساعت به ظهر است. بعد از ظهرها نیز پیش از نماز عصر به مدت دو ساعت و شب‌ها پس از نماز عشا میباشد.

(ص). درهای قبرستان بقیع، در ساعتهای خاص، تنها برای مردان گشوده می‌شود؛ مانند: بعد ازنماز صبح (حدود ساعت ۶) بعد از نمازعصر (حدود ساعت ۴) و بانوان تنها بعد از نماز عصر می‌توانند از پشت نردهها بقیع را زیارت کنند.

ص: ۱۰۵

۱۰. از خواندن نماز درکنار قبرستان بقیع و استفاده از مُهر در تمام مساجد مکه و مدینه خودداری نموده، بر سنگ فرشهای مساجد سجده شود؛ البته در هتل باید بر مُهر و یا چیزی که سجده برآن صحیح است، سجده نمود.

۱۱. دانش آموزان گرامی، در صورت داشتن نذر برای حرمین، قبور ائمه، شیعیان مدینه و .... آن را در اختیار روحانی کاروان بگذارند تا به دفتر نمایندگی ولی فقیه مستقر در مکه و مدینه تحویل دهند که در جای مناسب مصرف شود.

۱۲. از مکانهای زیارتی، به مخصوص مسجد الحرام و مسجد النبی، عکس‌نگیرید و توجه داشته باشید که بردن دوربین به داخل مسجد الحرام و مسجد النبی ممنوع است.

ص: ۱۰۶

۱۳. هنگام نماز، همه فروشگاهها و مغازهها تعطیل است؛ بنابراین ضروری است از توقف درمقابل مغازهها تا پایان نماز، که موجب انگشت نما شدن است، خودداری کنیم.

۱۴. توصیه می شود برای پیشگیری از گرما زدگی، در ساعات گرم و وسط روز، آمد و شد نداشته باشید. مایعات زیاد مصرف کنید. از استحمام روزانه غافل نباشید.

۱۵. اوقات فراغت در مدینه و مکه، فرصت خوبی است برای خواندن نمازهای قضا و چه خوب است که این کار در مسجد النبی و مسجد الحرام باشد؛ که ثواب بسیار دارد.

ص: ۱۰۷

۱۶. سحرگاه مدینه و مکه لطیف و فرحزاست و صفایی ویژه دارد. سعی کنید پیش از اذان صبح به مسجد النبی و مسجد الحرام مشرف شوید و نماز را به جماعت برگزار کنید. در این روزها و شبها که در مدینه هستید، با قرائت قرآن و ختم صلوات، بر روحانیت و معنویت خود بیفزایید.

۱ (ع). از برنامه‌هاییکه برای زائران عزیز در مدینه منوره و مکه مکرمه تدارک دیده شده، «زیارت دوره» است که در مدینه شامل موارد زیر است:

زیارت قبور شهدای احد در منطقه احد، مسجد ذوقبلتین و مساجد فتح، حضرت علی (ع)، سلمان فارسی در منطقه جنگ خندق و همچنین مسجد قبا.

ص: ۱۰۸

در مکه نیز به اماکن مقدسی همچون، غار حِرا، غار ثور، قبرستان ابوطالب، عرفات، مشعر الحرام، سرزمین منا و جمرات خواهید رفت.

۱۸. آوردن هدیه و سوغات، عملی پسندیده است، اما باید وقت خود را بیش از اندازه در بازار ها تلف نکنیم. برای خرید، پول زیاد همراه برندارید؛ و اضافه بر نیاز را در جایی مطمئن نگهدارید، یا به مدیر و مسؤولان کاروان بسپارید.

۱ (ص). احترام به قرآن، بر هر مسلمانی واجب است؛ وقتی در مسجد النبی و مسجد الحرام قرآن تلاوت میکنید، قرآن را بر زمین نگذارید که کار شایستهای نیست، بلکه با احترام آن را در دست بگیرید و یا بر زانوهای خود نهاده، بخوانید و هنگام نماز، در جایگاه وقفسههای مخصوص قرآن بگذارید.

ص: ۱۰۹

۲۰. بهتر است بعد از نماز صبح، پیش از ظهر و بعد از نماز عصر، نماز مستحبی خوانده نشود.

۲۱. زمان ورود شما به مکه معمولاً نیمههای شب و قبل از اذان صبح است. بنابراین، تا اذان صبح در هتل استراحت کنید و بعد از خواندن نماز صبح، برای انجام اعمال، به مسجد الحرام مشرف شوید. پیش از آغاز کردن به اعمال، مقداری صبر کنید تا با فضای مسجد الحرام آشنا شوید.

۲۲. در طول مسافرت، آرامش خاطر داشته باشید، از فشارهای روحی، اضطراب و تشویش خاطر بپرهیزید.

ص: ۱۱۰

۲۳. از بستن کیفِ تلفن همراه به کمر و تظاهر به داشتن آن، خود داری کنید؛ زیرا در معرض خطر و سرقت قرار می گیرید. همچنین به هنگام استفاد از تلفن همراه، احترام اماکن مقدس را حفظ کنید.

۲۴. توجه داشته باشید که خلوتترین زمان برای طواف مستحبی، یک ساعت پس از نماز صبح و یک ساعت پس از نماز عشا است و شلوغترین آن، بین نماز مغرب و عشا، همچنین نیم ساعت به وقت اذانهای نماز است (استفاده از این زمان‌ها برای خواهران محترم بسیار مناسب و بلکه ضروری است).

۲۵. از خواندن نماز در مسیر طواف کنندگان و راه رفتن بر خلاف مسیرآنان، بوسیدن مقام ابراهیم، تجمع و ازدحام در کنار آن و صدا کردن دوستان و همراهان با صدای بلند و ... اجتناب شود.

ص: ۱۱۱

۲۶. خواهران از بوسیدن حجر الأسود، که مستلزم اختلاط با نامحرمان است، بپرهیزند و برای یک عمل مستحبی، مرتکب گناه نشوند. همچنین در مسجد الحرام از مردان جدا نشسته، به خواندن دعا و قرآن و نماز بپردازند.

۲ (ع). وقتی اعمال عمره مفرده پایان یافت، بهترین عمل در مکه مکرمه، طواف مستحبی، قرائت قرآن، خواندن نماز، نگاه به کعبه و تفکّر و اندیشیدن است.

گفتنی است، این اعمال را میتوان به نیت دیگران؛ مانند پدر، مادر، اقوام، آموزگاران، دوستان و ... انجام داد و ضرورتی برای انجام «احرام مجدد» نیست.

۲۸. برای آشنایی بیشتر درباره «عمره» و ویژگی‌های آن، می‌توانید به پایگاه‌های اطلاع رسانی حج (وابسته به بعثه مقام معظم رهبری) به نشانی: ri. jjaH. www//: ptth و پایگاه لبیک (وابسته به سازمان صدا وسیما) به نشانی: ri. kiabbaL. www//: ptth مراجعه نمایید.

ص: ۱۱۲

همچنین مطالعه کتابهای زیر در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد:

- «مناسک مصوّر عمره مفرده»، و نیز «مناسک عمره، ویژه بانوان»، محمدحسین فلاح زاده، نشر مشعر.

- عمره، محسن قرائتی، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- عمره مفرده، نجف نجفی روحانی، دفتر نشر معارف.

- معیاد نور، محسن شریعت، دفتر نشر معارف.

- داستانها و حکایتهای حج، رحیم کارگر، نشر مشعر.

- برکات سرزمین وحی، محمد محمدی ری شهری، نشر مشعر.

- سرزمین نور، خاطرات جمعی از دانشجویان دانشگاه کاشان، نشر مشعر.

ص: ۱۱۳

– فصلنامه میقات حج شماره ۶۰ (ویژه خاطرات حج و عمره)، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

ص:۱۱۴

ص:۱۱۵

بخش هفتم: ادعیه و زیارات

زیارت پیامبر اعظم (ص)

«السَّلامُ عَلَیْکَ یارَسُولَ اللهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا «سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای نَبِیَّ اللهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَبْنَ عَبْدِاللهِ، پیغمبر خدا، سلام بر تو ای محمد فرزند عبداللّه، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَمَ النَّبِیّ- ینَ، أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ سلام بر تو ای خاتم پیامبران، گواهی دهم که تو بَلَّغْتَ الرِّسالَهَ، وَأَقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، رسالت را رساندی و نماز را برپا داشتی و زکات دادی وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ،

ص: ۱۱۶

و امر کردی بـه معروف و نهی کردی از کـار بـد وَعَبَدْتَ اللهَ حَتّی أَتـاکَ الْیَقِینُ، صَلَواتُ اللهِ و عبـادت کردی خـدا را تـا مرگ به سراغت آمد. درودهای خدا عَلَیْکَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلی أَهْلِ بَیْتِکَ الطّاهِرِینَ».

و رح- متش بر تو و بر خ- ان-- دان ط- اهر و پ- اک- یزه‌ات.»

سپس رو به قبله در کنـار سـتونی که در سـمت راست مرقـد مطهّر است بـایست، در حـالی که قبر مطهّر در سـمت چپ تو و منبر در سمت راست تو باشد که در این حال در بالا سَرِ رسول‌خدا (ص) قرار گرفته‌ای‌و بگو:

ص: ۱۱۷

«أَشْـهَدُ أنْ لا إلهَ إلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَـرِيكَ لَهُ، «گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شـریک ندارد وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْـهَدُ أَنَّکَ و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است و گواهی دهم که تویی رَسُولُ اللهِ، وَأَشْـهَدُ أَنَّکَ مُحَمَّدُ ابْنُ عَبْدِاللهِ، رسول خدا و گواهی دهم همانا تویی محمد فرزند عبداللّه وَأَشْـهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّ- كَ، و گواهی دهم که رسالت پروردگارت را رساندی وَنَصَحْتَ لِامَّتِکَ، وَجاهَدْتَ فِی اللهِ، وَعَبَدْتَ

ص: ۱۱۸

و خیرخواهی کردی برای امت ودر راه خدا جهاد کردی اللَه مُخْلِصاً حَتّی أَتاکَ الْیَقِینُ وخدا را پرستش کردی تا مرگت فرا رسید [وَدَعَوْتَ إلی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ ودعوت به راه پروردگارت کردی به وسیله حکمت وپند الْحَسَنَهِ، وَأَدَّیْتَ الَّذِی عَلَیْکَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّکَ نیک وآنچه را از حق به عهده داشتی ادا کردی و براستی تو قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِینَ، وَغَلُظْتَ عَلَی الْکافِرِینَ، نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران سخت گیر بودی فَبَلَغَ اللهُ بِکَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُکَرَّمِینَ،

ص: ۱۱۹

خدایت به بهترین شرافت جایگاه گرامیان برساند، الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی اسْتَنْقَذَنا بِکَ مِنَ الشّ- رْکِ ستایش خدایی را است که ما را به وسیله تو از شرک وَالضَّلالَهِ. اللّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَصَلَواتِ و گمراهی نجات بخشید. خدایا! پس درودهای خود و درودهای مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ وَعِبادِکَ الصّالِحینَ، فرشتگان مقرّبت و بندگان شایسته‌ات وَأَنْبیائِکَ الْمُرْسَلِینَ وَ أَهْلِ السَّماواتِ و پیامبران مرسلت و ساکنان آسمان‌ها وَالْارَضِینَ، وَ مَنْ سَبَّحَ لَکَ یا رَبَّ الْعالَمِینَ مِنَ

ص: ۱۲۰

و زمینها و هرکه را برای تو ای پروردگار جهانیان تسبیح گویند از الْاوَّلِینَ وَالْاخِرِینَ، عَلی مُحَمَّد عَبْدِکَ اولین و آخرین همه را یکجا قرار ده، برای محمد بنده وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَأَمِینِکَ وَنَجِیِّکَ وَحَبِیبِکَ و رسولت و پیامبرت و امین (بر وحیت) و همرازت و حبیبت وَصَفِیِّکَ وَخاصَّتِکَ وَصِفْوَتِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ و دوست خالص و مخصوصت و برگزیده و منتخب تو از خَلْقِکَ. اللّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَهَ، وَ الْوَسِیلَهَ مِنَ میان خلقت خدایا به محمد درجه و مقام

ص: ۱۲۱

وسیله را در الْجَنَّهِ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْاوَّلُونَ بهشت به او عطا فرما و به مقام پسندیده‌ای او را برگزین که غبطه خورند به او اولین وَالْاخِرُونَ. اللّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ: (وَلَو أَنَّهُمْ إذْ ظَلَمُوا و آخرین خدایا تو فرمودی «و اگر ایشان در آن هنگام که به خود ستم کردند أَنْفُسَهُمْ جاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ ژ به نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند و پیغمبر هم برای ایشان آمرزش بخواهد الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوّاباً رَحِیماً)، وَإنّ- ی أَتَیْتُ همانا بیابند خدای را بسیار تو به پذیر و مهربان» ومن نَبِیَّکَ مُسْتَغْفِراً تائِباً مِنْ ذُنُوبِی، وَإنّی أَتَوَجَّهُ آمرزش خواهانه به پیشگاه پیامبرت آمده

ص: ۱۲۲

وتوبه از گناهانم کردم ومن بِکَ إِلَی اللهِ رَبِّ- ی وَرَبِّ- کَ لِیَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی».

بوسیله تو رو به خدائی کرده‌ام که پروردگار من و تو است تا بیامرزد گناهانم را.»

و حاجت خود را بطلب، امید است که برآورده شود.

پس صلوات و درودهای مخصوص بر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) را بخوان:

«اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد کَما حَمَلَ وَحْیَکَ وَ «خـدایا درود فرست بر محمـد چنانچه وحی تو را متحمل شـد بَلَّغَ رِسالاتِکَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد کَما أَحَلَّ و پیام‌هایت را رسانید و درود فرست بر محمد چنانچه حلال کرد حَلالَکَ، وَحَرَّمَ حَرامَکَ، وَعَلَّمَ کِتَابَکَ، وَصَلِ

ص: ۱۲۳

حلال تو را و حرام کرد حرام تو را و به مردم یاد داد کتاب تو را و درود فرست عَلی مُحَمَّد کَما اقامَ الصَّلاهَ، وَآتَی الزَّکاهَ، بر محمد چنانچه برپاداشت نماز را و زکات داد وَدَعا إلی دِینِکَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد کَما صَدَّقَ و بدین تو دعوت فرمود و درود فرست بر محمد چنانچه وعده بِوَعْدِکَ، وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِیدِکَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد تو را تصدیق کرد و ترسانید (مردم را) از تهدید تو و درود فرست بر کَما غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُیُوبَ، محمد چنانچه آمرزیدی بوسیله‌اش گناهان

ص: ۱۲۴

را و پوشاندی بدو وَفَرَّجْتَ بِهِ الْکُرُوبَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد کَما عیوب را و برطرف کردی بدو گرفتاریها را و درود فرست بر دَفَعْتَ بِهِ الشَّقاءَ، وَکَشَفْتَ بِهِ الْغَمّاءَ، وَأَجَبْتَ محمد چنانچه دفع کردی بدو بدبختی را و زدودی بدو بِهِ الدُّعاءَ، وَنَجَّیْتَ بِهِ مِنَ الْبَلاءِ، وَصَلِّ عَلی غمها را و اجابت کردی بدو دعا را و نجات دادی به برکت او از مُحَمَّد کَما رَحِمْتَ بِهِ الْعِبادَ، وَأَحْیَیْتَ بِهِ بلا و درود فرست بر محمد چنانچه رحم کردی بدو الْبِلادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبابِرَهَ، وَأَهْلَکْتَ بِهِ

ص: ۱۲۵

بندگان را و زنده کردی بدو شهرها و بلاد را و شکستی بدو الْفَراعِنَهَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد کَما أَضْعَفْتَ بِهِ گردنکشان را و هلاک کردی بدو فرعونها را و درود فرست بر الْامْوالَ، وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْاهْوالِ، وَکَسَرْتَ محمد چنانچه چند برابر کردی بدو اموال را و حفظ کردی بدو بِهِ الْاصْنامَ، وَرَحِمْتَ بِهِ الْانامَ، وَ وَصَلِّ عَلی (مردم) را از هراسها و شکستی بدو بتها را و رحم کردی بدو بر مردمان و درود فرست بر مُحَمَّد کَما بَعَثْتَهُ بِخَیْرِ الْادْیانِ، وَأَعْزَزْتَ بِهِ محمد چنانچه برانگیختی او را به بهترین ادیان و عزت دادی به او الْایمانَ، وَتَبَّرْتَ بِهِ الْاوْثانَ، وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَیْتَ

ص: ۱۲۶

بر ایمان و نابود کردی بـدو بتان را و عظمت دادی بـدو به خانه الْحَرامَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَأَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرِینَ کعبه و درود فرست بر محمد و خاندان پاک و نیکوکارش الْاَخْیارِ وَسَلِّمْ تَسْلِیماً».

و سلام مخصوص بر ایشان فرست.»

زیارت دوّم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

«یامُمْتَحَنَهُامْتَحَنَکِ اللّهُ الَّذِی خَلَقَکِقَبْلَ «ای آزمـایش شـده، آن خـدایی که تو را آفریـد، پیش از آنکه أنْ یَخْلُقَـکِ، فَوَجَدَکِ لِما امْتَحَنَکِ صابِرَهً، وَ تو را خلق کند آزمودت و تو در آن آزمایش بردبار و زَعَمْنا أنّا لَکِ أَوْلِیاءُ

ص: ۱۲۷

وَمُصَدِّقُونَ وَ صابِرُونَ، شکیبا بودی و ما دوستان تو و تصدیق کننده و شکیباییم لِکُلِّ ما أَتانا بِهِ أَبُوكِ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، به آنچه پدرت صلّی الله علیه وآله و وَأَتانا بِهِ وَصِیُّهُ، فَانّا نَسْأَلُکِ إنْ کُنّا صَدَّقْناكِ وصیش آورده‌اند تسلیم هستیم و ای خدا ما از تو می‌خواهیم همچنانکه ما إلّا أَلْحَقْتِنا بِتَصْدِیقِنا لَهُما بِالْبُشْری لِنُبَشِّ- رَ تصدیق کننده‌ایم به درجه عالیه‌ای برسانی تا ما خود را مژده أَنْفُسَنا بِأَنّا قَدْ طَهُرْنا بِ- وِلایَتِکِ».

دهیم که بخاطر ولایت این خانواده پاک شدیم.»

ص: ۱۲۸

آنگاه می گویی:

«السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ «سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو یا بِنْتَ نَبِیِّ اللهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ حَبِیبِ ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو ای دختر حبیب اللهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلِیلِ اللهِ، السَّلامُ خدا، سلام بر تو ای دختر خلیل خدا، سلام عَلَیْکِ یا بِنْتَ صَفِیِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بر تو ای دختر برگزیده خدا، سلام بر تو ای دختر بِنْتَ أَمِینِ اللهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ امین خدا، سلام برتو ای دختر بهترین آفریده خدا، خَلْقِ اللهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ

ص: ۱۲۹

أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَهُ الْعَلِيْمَهُ، سلام بر تو ای هم سخن با فرشتگان وای دانا، خدا را و همچنین اشْهِدُ اللهَ وَرَسُولَهُ وَمَلائِكَتَهُ أنّ- ی راض عَمَّنْ پیامبر و فرشتگانش را گواه می‌گیرم که من از هر کس که تو از او خوشنود باشی خوشنودم رَضِيتِ عَنْهُ، ساخِطٌ عَلى مَنْ سَخِطْتِ عَلَيْهِ، و بر هر کس که تو از او خشمناک باشی خشمناکم، بیزاری می‌جویم مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتِ مِنْهُ، مُوال لِمَنْ والَيْتِ، مُعاد از هر که تو از او بیزاری و دوست دارم هر که تو او را دوست داری و دشمن دارم هر که را لِمَنْ عادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ تو دشمن داری و ناخوشنودم از کسی که تو از او ناخوشنودی دوست دارم کسی را که

ص: ۱۳۰

أَحْبَبْتِ، وَكَفى بِاللهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجازِياً تو دوستدار آنی و کافی است خداوند گواه و پاداش دهنده وَمُثِيباً».

من باشد.»

پس دو رکعت نماز زیارت بگزار، به همان ترتیبی که در زیارت اوّل آن حضرت ذکر کردیم.

ص:۱۳۱

زیارت ائمه بقیع

«السَّلامُ‌عَلَیْکُمْ‌أَئِمَّهَ الْهُدی، السَّلامُ عَلَیْکُمْ «سلام بر شما پیشوایان هدایت سلام بر شما أَهْلَ الْبِرِّوَالتَّقْوی، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْحُجَجُ شایستگان نیکی و پرهیزکاری سلام بر شما ای حجتها عَلی أَهْلِ الدُّنْیا، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْقَوّامُونَ بر اهل دنیا سلام بر شما ای قیام کنندگان فِی الْبَرِیَّهِ بِالْقِسْطِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الصَّفْوَهِ، به عدل در میان مردم سلام بر شما ای شایستگان برگزیدگی السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا آلَ رَسُولِ

ص: ۱۳۲

اللهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ سلام بر شما ای آل رسول خدا، سلام بر شما أَهْلَ النَّجْوى، السَّلامُ عَلَيْكُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقى، ای اهل راز، سلام بر شما ای ریسمان و دستاویز محکم حق، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي گواهی دهم که شما بخوبی تبلیغ و خیرخواهی کردید و در مورد خدا شکیبائی ذات اللهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِىَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ کردید با اینکه شما را تکذیب کرده و با شما بد کردند آنها را بخشیدید و گواهی دهم أَنَّكُمُ الْائِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، وَأَنَّ طاعَتَكُمْ که شمائید امامان راهبر راه یافته و

ص: ۱۳۳

همانـا اطاعت شـما مَفْرُوضَهٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمُ الصِّـدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُم واجب است و گفتارتان راست است و براستی شـما مردم را به خـدا دعوت کردید

فَلَمْ تُجابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعائِمُ ولی اجابت نکردند و دسـتور دادید ولی اطاعت نکردند و همانا شـمائید پایه‌های الدِّینِ وَأَرْكانُ الْارْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ اللهِ، دین و رکنهای زمین و همواره در زیر نظر خـدا بودید يَنْسَـخُكُمْ فِى أَصْـلابِ كُلِّ مُطَهَّر، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ که برمی‌داشت شما را از صلبهای هر شخص پاک و منتقلتان می‌ساخت به أَرْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّـسْكُمُ الْجاهِلِيَّهُ

ص: ۱۳۴

رحمهای پاکیزه، آلوده نکرد شما را اوضاع جاهلیت غرق الْجَهْلاءُ، وَلَمْ تَشْرَکْ فِیکُمْ فِتَنُ الْاهْواءِ، طِبْتُمْ در نادانی و تأثیر نکرد در شما فتنه‌های هوس‌آلود پاک بودید وَطابَ مَنْبِتُکُمْ، مَنَّ بِکُمْ عَلَیْنا دَیّانُ الدِّینِ، و پاک بود ریشه شما منت نهاد بوسیله شما بر ما جزا ده روز جزا فَجَعَلَکُمْ فِی بُیُوت اذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ پس شما را در خانواده‌هایی قرار داد که به عظمت و فرازمندی آنها فِیهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَواتَنا عَلَیْکُمْ رَحْمَةً لَنا و پر آوازه شدن نامتان فرمان داد درود فرستادن ما را بر شما رحمتی برای ما

ص: ۱۳۵

وَكَفّارَةً لِذُنُوبِنا، اذ اخْتارَكُمُ اللّهُ لَنا، وَطَيَّبَ و ک- فاره‌ای برای گ- ناهانمان چون- که خداشـما را ب- رای ما انتخاب فرمود و پ- اک ک- رد

خُلْقَنـا بِمـا مَنَّ بِهِ عَلَيْنا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَكُنّا عِنْدَهُ خلقت ما را بوسـيله آنچه منت گـذارد بر ما از ولایت شـما و ما پیش خـدا از مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنا إِيّاكُمْ، نامبردگـان به دانش شـما و اعتراف کننـدگان به تصـدیقمان نسـبت به شـما بودیم وَهـذا مَقامُ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ وَاسْتَكانَ وَأَقَرَّ و این جایگاه کسـی است که زیاده‌روی و خطا کرده و مستمند شده بِما جَنى، وَرَجى بِمَقامِهِ الْخَلاصَ، وَأَنْ

ص: ۱۳۶

و به جنایت خود اقرار داشته و امید دارد بدین جایگاه خلاصی خود را و یَسْتَنْقِذَهُ بِکُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکی مِنَ الرَّدی، نجات دهدش خداوند بوسیله شما نجات دادن هلاک شدگان از نابودی فَکُونُوا لِی شُفَعاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَیْکُمْ إِذْ رَغِبَ پس شما شفیعان من باشید که من به شما وارد شدم در آنگاه که دوری کردند عَنْکُمْ أَهْلُ الدُّنْیا، وَاتَّخَذُوا آیاتِ اللهِ هُزُواً، از شما مردم دنیا و آیات خدا را مسخره گرفتند و وَاسْتَکْبَرُوا عَنْها، یا مَنْ هُوَ قائِمٌ لایَسْهُو، وَدائِمٌ تکبر ورزیدند از آنها ای پابرجایی که سهو ندارد و پاینده‌ای که لا یَلْهُو، وَمُحِیطٌ بِکُلِّ شَیْء، وَلَکَ الْمَنُّ بِما سرگرم نشود و به هر چیز احاطه دارد تو

ص: ۱۳۷

را است منت بـدانچه وَفَّقْتَنِی، وَعَرَّفْتَنِی أَئِمَّتِی وَبِما أَقَمْتَنِی عَلَیْهِ، إِذْ مرا بدان موفق داشتی و شـناساندی مرا بدانچه مرا بدان برپا داشتی در صَدَّ عَنْهُ عِبادُکَ وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا صورتی که بندگانت از آن‌روگرداندند و از شناختنش نادان بودند وحقش را بِحَقِهِ، وَمالُوا إِلی سِواهُ، فَکانَتِ الْمِنَّهُ مِنْکَ سبک شـمردند و به غیر آن منحرف شدنـد پس منت داری عَلَیَّ مَعَ أَقْوام خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَنِی بِهِ، بر من با مردمی که مخصوصشان داشتی بدانچه مرا بدان مخصوص کردی فَلَکَ الْحَمْدُ إِذْ کُنْتُ عِنْدَکَ فِی مَقامِی هذا پس تو را است ستایش چونکه من در پیش تو در این مقام

ص: ۱۳۸

مَذْکُوراً مَکْتُوباً، فَلا تَحْرِمْنِی ما رَجَوْتُ، وَلا یاد شـده و نام برده شده بودم پس محرومم مکن از آنچه امیدوارم و تُخَیِّبْنِی فِیما دَعَوْتُ فِی مَقامِی هذا بِحُرْمَهِ نومیدم مساز در آنچه تو را خواندم در این مقام به حرمت مُحَمَّد وَآلِهِ الطّاهِرِینَ».

محمد و آل طاهرینش.»

ص:۱۳۹

دعای اشواط طواف

اشاره

برای اینکه طواف‌کننـده در تعداد دورهای طواف شک نکند، می‌تواند دعاهای وارده را تقسیم کرده و در هر دور طواف بخشـی از آن را به قصد رجاء بخواند، واگر تکرار شد مانعی ندارد.

دعای دور اوّل

«اللّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ «خداوندا! از تو مسألت می‌کنم به آن نامت که با ذکر به وسیله آن عَلی طَلَلِ الْماءِ، کَما یُمْشی بِهِ عَلی جَدَدِ بر روی آب راه می‌روند، چنانچه بر روی زمین سخت

ص: ۱۴۰

الْارْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی یَهْتَزُّ لَهُ و هموار، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که عرش برای آن به عَرْشُکَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدامُ لرزه می‌افتد، و از تو می‌خواهم به حق آن اسمت که گام‌های مَلائِکَتِکَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی دَعاكَ بِهِ فرشتگان به لرزه می‌افتد، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که مُوسی مِنْ جانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَلْقَیْتَ

ص: ۱۴۱

موسی ترا بـا آن از سوی کوه طور خوانـد و دعـایش را مسـتجاب کردی و محبت عَلَیْهِ مَحَبَّهً مِنْک، وَأَسْأَلُک بِاسْمِک الَّذِی غَفَرْتَ خـویش را به او القـا کردی، و از تـو می‌خـواهم به آن نـامت که بِهِ لِمُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مـا تَقَدَّمَ مِنْ گنـاه گذشـته و آینـده حضـرت محمـد (صـلی الله علیه وآله) را بخشـیدی ذَنْبِهِ وَمـا تَـأَخَّرَ، وَأَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَک، أنْ و نعمت خود را بر او تمـام کردی که تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ»

مرا از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند سازی.»

و حاجات خود را می خواهی.

ص:۱۴۲

دعای دور دوم

«اللّهُمَّ إِنِی إِلَیْکَ فَقِیرٌ، وَإِنِی خائِفٌ مُسْتَجِیرٌ، «خداوندا! من به تو نیازمندم، و من بیمناک و پناه جویم، فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدِّلِ اسْمِی».

پس جسمم را دگرگون مساز و نامم را تبدیل مکن»

سپس می گویی:

سائِلُکَ فَقِیرُکَ مِسْکِینُکَ بِبابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ گدای تو، مسکین تو به در خانه‌ات آمده، بهشت را به او بِالْجَنَّه. اللّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ، عطا فرما، خداوندا! خانه، خانه تو و حرم، حرم تو وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَهذا مَقامُ الْعائِذِ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ و بنده، بنده تو است، و این است

ص: ۱۴۳

جایگاه پناهنـده تو مِنَ النّارِ، فَأَعْتِقْنِی وَ والِدَیَّ وَ أَهْلِی وَوُلْدِی از آتش دوزخ، مرا و پدر و مادرم را و خانواده‌ام و فرزندانم وَإِخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النّارِ، یا جَوادُ یا و برادران ایمانی‌ام را از آتش آزاد ساز، ای بخشنده وای کَرِیمُ».

کریم.»

دعای دور سوم

«اللّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَأَجِرْنِی «خداوندا! مرا به بهشت وارد ساز به رحمتت بِرَحْمَتِکَ مِنَ النّارِ، وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ از آتش پناهم ده، و از بیماری عافیتم بخش، و از عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ،

ص: ۱۴۴

وَادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَهِ روزی حلال وسعتم ده، و دور کن از من شرّ تبهکاران الْجِنِّ وَالْانْسِ، وَشَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، یا جنّ و انس را، و شرّ فاسقان عرب و عجم را، ای ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، وَالْجُودِ وَالْکَرَمِ، انَّ عَمَلِی صاحب نعمت و فضل، ای بخشنده کریم، عملم ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَتَقَبَّلْهُ مِنِی، إِنَّکَ أَنْتَ ضعیف است آن را مضاعف ساز، و آن را از من بپذیر که تو السَّمِیعُ الْعَلِیمُ».

شنوا و دانایی.»

ص:۱۴۵

دعای دور چهارم

«یا اللهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَهِ، وَخالِقَ الْعافِیَهِ، وَرازِقَ «ای خدا! ای صاحب عافیت و خالق عافیت و رازق عافیت و الْعافِیَهِ، وَالْمُنْعِمَ بِالْعافِیَهِ، وَ الْمَنّانَ بِالْعافِیَهِ، عافیت و بخشنده عافیت و دهنده نعمت عافیت وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَهِ عَلَیَّ وَعَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ، و افزاینده عافیت بر من و همه آفریده‌هایت، یا رَحْمانَ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ وَرَحِیمَهُما، صَلِّ عَلی ای خدای رحمان و رحیم در دنیا و آخرت، درود فرست بر مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَارْزُقْنا الْعافِیَهَ، وَ دَوَامَ محمّد و خاندانش، و عافیت را روزی گردان؛ دوام الْعَافِیَهِ، وَتَمامَ الْعافِیَهِ، وَشُکْرَ الْعافِیَهِ فِی الدُّنْیا عافیت و تمام عافیت و شکر عافیت را در دنیا

وَالْآخِرَهِ، یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ».

و آخرت ای مهربان ترین مهربانان.»

ص:۱۴۶

دعای دور پنجم

«الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی شَـرَّفَکِ وَعَظَّمَکِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ «حمد خدایی را که تو (کعبه) را شـرف و عظمت بخشید، و حمد خدایی الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِیّ‍اً، وَجَعَ‍لَ عَلِیّاً إماماً. اللّهُمَّ راست که محمّ‍د (ص) را به نبوت برانگیخت و علی (ع) را امام قرار داد، خداونـدا اهْ‍دِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ، وَجَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».

نیکان خلقت را به زیارت کعبه رهنمون باش، و تبهکاران را از آن دور گردان.»

آنگاه می گویی:

رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْاخِرَهِ حَسَنَهً وَ پروردگارا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی بخش قِنا عَذابَ النّارِ.

و از عذاب آتش بازمان دار.»

ص:۱۴۷

دعای دور ششم

«اللّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هـذا مَقامُ «خداوندا! خانه، خانه تو، و بنده، بنده تو و این جایگاه الْعائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ. اللّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرَّوْحُ پناهنده به تو از آتش است، خداوندا! از سوی تو است رحمت وَالْفَرَجُ وَالْعافِيَهُ. اللّهُمَّ انَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ و گشایش و عافیت، خداوندا! عملم ضعیف است، فَضاعِفْهُ لِي، وَاغْفِرْ لِي مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِي وَ آن را مضاعف ساز، و آنچه را بر تو آشکار و بر خلقت خَفِيَ عَلى خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النّارِ».

پنهان است بر من ببخش، از آتش به خدا پناه می‌برم.»

ص:۱۴۸

دعای دور هفتم

«اللّهُمَّ إنَّ عِنْدِی أَفْواجاً مِنْ ذُنُوب، وَ أَفْواجاً «خداوندا! مرا انبوهی از گناه و انبوهی مِنْ خَطایا وَعِنْدَکَ أَفْواجٌ مِنْ رَحْمَه، از لغزش است و ترا انبوهی از رحمت وَ أَفْواجٌ مِنْ مَغْفِرَه، یا مَنِ اسْتَجابَ لِا بْغَضِ و انبوهی از مغفرت، ای آنکه مستجاب کردی دعای دشمن ترین خَلْقِهِ إلَیْهِ إذْ قالَ أَنْظِرْنِی إلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ، خلقت (شیطان) را، آنگاه که گفت: «مرا تا روز رستاخیز مهلت ده» اسْتَجِبْ لِی».

ص: ۱۴۹

دعایم را مستجاب گردان.»

سپس حاجاتت را بخواه و آنگاه بگو:

«اللّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنِی، وَبارِکْ لِی فِیما «خداوندا! مرا به داده‌ات قناعت بخش، آنچه را داده‌ای آتَیْتَنِی».

برایم برکت ده.»

و هنگامی که مقابل مقام حضرت ابراهیم رسیدی، بگو:

«اللّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِی مِنَ‌النّارِ، وَوَسِّعْ عَلَیَّ مِنَ «خداونـدا! مرا از آتش آزاد سـاز و از روزی حلال الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَادْرَأْ عَنِی شَرَّفَسَقَهِ الْعَرَبِ بر من وسعت بخش و شرّ فاسقان عرب و وَالْعَجَمِ وَشَرَّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ».

ص: ۱۵۰

عجم و جنّ و انس را از من دور کن.»

امام سجّاد (ع) هنگام طواف، به ناودان نگاه می‌کرد، و عرضه می‌داشت:

«اللّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِکَ، وَأَجِرْنِی «خداوندا! به رحمت خویش مرا به بهشت وارد ساز بِرَحْمَتِکَ مِنَ النّارِ، وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ و از آتش پناهم ده، و از بیماری عافیتم بخش عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَهِ و از روزی حلال بر من وسعت ده و شرّ فاسقان الْجِنِّ وَالْانْسِ، وَشَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

جنّ و انس و عرب و عجم را از من دور کن.»

ص:۱۵۱

دعای اشواطِ سعی

دعای دور اول از صفا به مروه

«اللهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَالْحَمْدُلِلهِ كَثِيراً، وَسُبْحانَ اللهِ «خدا آن گونه که باید از همه‌چیز برتراست وسپاس فراوان برای اوست و منزّه‌است الْعَظِيم وَبِحَمْدِهِ الْكَرِيم بُكْرَةً وَأَصِيلا، وَمِنَ خداوند بزرگ و سپاس برای خداوند کریم در هر صبحگاهان و شامگاهان. پس بخشی از اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلا طَوِيلا، لا إِلهَ إِلَّا شب را برای او سجده کن و تسبیح او گوی در شب

ص: ۱۵۲

طولانی. خـدایی جز اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، خدای یکتا نیست، او به وعده خود وفا کرد، و بنده خود را یاری داد وَهَزَمَ الْاحْزابَ وَحْدَهُ، لا شَیْءَ قَبْلَهُ وَلا بَعْدَهُ، و به تنهایی لشکرهای (دشمن) را در هم شکست. چیزی نه قبل از او و نه بعد از او نیست، یُحْیِی وَیُمِیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ وَلایَفُوتُ زنده می کند و میمیراند، و او زنده همیشگی است نمی‌میرد و هرگز فوت أَبَداً، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَإِلَیْهِ الْمَصِیرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ نمی کند، هر خیری بدست اوست و بازگشت همه به سوی اوست، و او بر هر شَیْء قَدِیرٌ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ

ص: ۱۵۳

چیزی قادر وتوانا است، پروردگارا مرا ببخشای و بر من ترحم کن، ببخشای وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمْ إِنَّکَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، إِنَّکَ و بزرگواری کن، و از آنچه تو می‌دانی درگذر، همانا تو می‌دانی آنچه را ما نمی‌دانیم، همانا تو، أَنْتَ اللهُ الْاعَزُّ الْاکْرَمُ، رَبِّ نَجِّنا مِنَ النّارِ عزیزترین و گرامی‌ترین خدائی، پروردگارا ما را از آتش، سالِمینَ غانِمینَ، فَرِحِینَ مُسْتَبْشِرینَ مَعَ عِبادِکَ صحیح و سالم نجاتمان ده، (درحالیکه) خوشحال بوده، بشارتمان دهند. همراه با بندگان الصّالِحِینَ، مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَیْهِمْ مِنَ شایسته‌ات، همراه با آنان که بدانها نعمت بخشیدی، از النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِینَ

ص: ۱۵۴

پیامبران، صدیقین، شهداء و صالحین، وَحَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً، ذلِکَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ که اینها خوب رفیقانی هستند. این فضلی از ناحیه خداوند است، وَکَفی بِاللهِ عَلِیماً، لا إِلهَ إِلَّا اللهُ حَقّاً حَقّاً، لا إِلهَ و علم خدا (به حاجات خلق) کفایت می کند، به حق معبودی جز خداوند نیست، معبودی إِلَّا اللهُ وَلا نَعْبُدُ إِلّا إِیّاهُ، مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینُ به جز خدا نیست، جز او را نمی‌پرستیم، طاعت ما خالص برای اوست.

وَلَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ».

هرچند کافران را خوش نیاید.»

ص: ۱۵۵

نزدیک مروه این آیه خوانده می‌شود:

(إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ «همانا سعی صفا و مروه، از شعائر دین خداست، پس هرکس، حج الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما، عمره را بجای آورد، باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه کند، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللهَ شاکِرٌعَلِیمٌ). و هرکس نیکی کند. خدا به وی پاداش خواهد داد که او سپاسگزار و داناست.»

ص:۱۵۶

دعای دور دوم از مروه به صفا

«اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ وَلِلهِ الْحَمْدُ، لا «خدا برتر از هرچیزاست. و حمدوسپاس مخصوص اوست.

إِلهَ إِلَّا اللهُ الْواحِدُ الْاحَدُ، الْفَرْدُ الصَّمَدُ، الَّذِی معبودی به‌جزاللهنیست، خدائی که یکتا و بی‌همتا و بی‌نیاز است، معبودی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً، وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیكٌ که دوست و فرزند برای خود نگرفته است، در حکومت، او را شریکی نیست، فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ و یاوری که بر عزتش افزاید نخواهد داشت و او را به بزرگی و تَكْبِیراً، اللّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِی كِتابِكَ الْمُنْزَلِ: بزرگواری یاد کن، خداوندا همانا تو خود در

ص: ۱۵۷

کتابی که فروفرستادی فرمودی، «أُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»، دَعَوْناکَ رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا مرا بخوانید تا اجابت کنم شما راپروردگارا ما تو را خواندیم، پس بر ما ببخشای کَما أَمَرْتَنا إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ، رَبَّنا إِنَّنا همانگونه که خود ما را به بخشش امر نمودی، همانا تو در وعده تخلف نمی کنی، پروردگارا ما سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادِی لِلْایمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ شنیدیم صدای ندادهنده را که به ایمان فرامی‌خواند و می گفت: به پروردگارتان ایمان بیاورید، فَآمَنّا، رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا پس ما ایمان آوردیم، پروردگارا گناهانمان را ببخش، بدی‌هایمان را بپوشان، وَتَوَفَّنا مَعَ الْابْرارِ، رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی

ص: ۱۵۸

و مـا را همراه بـا نیکـان بمیران، پروردگـارا آنچه را به رسولانت رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنـا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ وعـده فرمودی به ما عنـایت کن و روز قیـامت مـا را خوار و ذلیـل مگردان، همانـا تو در وعـده الْمِیعـادَ، رَبَّنـا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنـا وَإِلَیْکَ أَنَبْنـا وَإِلَیْکَ تخلف نمی‌کنی، پروردگـارا مـا بر تـو توکـل نمـوده‌ایم و بـه تـو رو کردیـم، و بـه سـوی تـو الْمَصِیرُ، رَبَّنا اغْفِرْ لَنـا وَلِاخْوانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونا برمی‌گردیم، پروردگارابر ما و بر برادرانی که در ایمان آوردن بِالْایمانِ، وَلا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلّاً بر ما پیشی گرفته‌اند ببخشای، و کینه کسانی که ایمان آورده‌اند را

ص: ۱۵۹

لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ، رَبِّ اغْفِرْ در قلوب ما قرار مده پروردگارا همانا تو رؤف و مهربانی، خدایا ببخش وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ و به من رحم کن و بزرگواری فرما و از آنچه که از من می‌دانی درگذر، همانا تو تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، إِنَّکَ أَنْتَ اللهُ الاعَزُّ الْاَکْرَمُ.

می‌دانی آنچه را من نمی‌دانم، به درستی که تو عزیزترین و گرامی‌ترین هستی.» (إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ «همانا سعی صفا و مروه، از شعائر دین خداست، پس هر کس، حج الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما، و عمره را بجای آورد، باکی بر او نیست که سعی

صفا و مروه بجای آورد، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللهَ شاكِرٌعَلِيمٌ).

و هرکس با میل و رغبت نیکی کند. خدا به وی پاداش خواهد داد که او سپاسگزار و داناست.»

ص: ۱۶۰

دعای دور سوم از صفا به مروه

«اللهُ أَکْبَرُ اللهُ أَکْبَرُ، اللهُ أَکْبَرُ وَللهِ الْحَمْدُ، «خدا برتر از هر چیز است و حمد مخصوص اوست، رَبَّناأَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَاغْفِرْ لَنا إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْء قَدِیرٌ، پروردگارا نور ما را کامل کن، و بر ما ببخشای همانا تو بر هر چیز قادر و توانایی، اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْخَیْرَ کُلَّهُ عاجِلَهُ وَآجِلَهُ، بارپروردگارا همانا من از تو می‌خواهم تمامی خیر را وَأَسْتَغْفِرُکَ لِذَنْبِی، وَأَسْأَلُکَ بر من عنایت کنی دیررس و زودرس آن را، و برای گناهم از تو طلب آمرزش می‌کنم، رَحْمَتَکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ.

ص: ۱۶۱

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ و رحمت و مغفرت تو را از تو می‌طلبم ای مهربانترین مهربانان پروردگارا بیامرز و رحم کن، وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ تَعْلَمُ و ببخش و بزرگواری کن، و از آنچه می‌دانی بگذر همانا تو می‌دانی ما لا نَعْلَمُ، إِنَّکَ أَنْتَ اللهُ الْاعَزُّ الْاکْرَمُ، رَبِّ آنچه ما نمی‌دانیم همانا تو عزیزترین و گرامی‌ترین خدائی، پروردگارا زِدْنِی عِلْماً وَلا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنِی وَهَبْ بر دانش من بیفزای و پس از آنکه هدایتم کردی قلب و دلم را تیره مساز. و از ناحیه لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهّابُ. اللّهُمَّ خودت به من رحمت بخش همانا تو بسیاربخشنده‌ای. پروردگارا عافِنِی فِی سَمْعِی وَبَصَرِی، لاإِلهَ إِلّا أَنْتَ،

ص: ۱۶۲

به من سلامتی در شنوائی وبینائی عنایت کن، خداوندی جز تو نیست.

سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ، اللّهُمَّ إِنِّی منزهی تو، همانا من از ستمکارانم، بارپروردگارا من أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ، اللّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ از کفر و ناداری به تو پناه می‌برم، خداوندا، از خشم و غضب تو بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَبِمُعافاتِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ، به خشنودیت و از عقوبتت به بخشش تو پناه می‌برم، تا گرفتار عقوبت تو نشوم، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لا أُحْصِی ثَناءً عَلَیْکَ، أَنْتَ و پناه می‌برم به تو از تو، شمارش

ص: ۱۶۳

نمی‌توانم بکنم درود و ثنـا بر تو را، تو کَما أَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ، فَلَکَ الْحَمْـدُ حَتّی همانگونه‌ای که خود از خویش سـتایش کرده‌ای، سپاس تو را گویم تا

تَرْضی».

راضی گردی.»

(إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَهَ مِنْ شَـعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَـجَّ «همانا سـعی صـفا و مروه، از شـعائر دین خـداست، پس هرکس، حـج الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُنـاحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِمـا، و عمره را بجـای آورد، بـاکی بر او نیست که سـعی صـفا و مروه بجـای آورد، وَمَنْ تَطَـوَّعَ خَیْراً فَـإِنَّ اللهَ شاکِرٌعَلِیمٌ).

و هرکس نیکی کند. خدا به وی پاداش خواهد داد که او سپاسگزار و داناست.»

ص:۱۶۴

دعای دور چهارم از مروه به صفا

«اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ وَللهِ الْحَمْدُ، «خدا برتر از هر چیز است و حمد مخصوص خداوند است.

اللّهُمَ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ ما تَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِکَ بارخدایا همانا من از تو می‌خواهم آنچه از خوبیها که می‌دانی عنایتم کنی، و از مِنْ شَرِّ ما تَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ما تَعْلَمُ، بدیها به تو پناه می‌برم، و طلب آمرزش می‌کنم از همه گناهانی که تو می‌دانی، إِنَّکَ أَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ، لاإِلهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِکُ همانا تو بسیار دانای اسرار پنهانی، خدائی بجز الله نیست خدائی که حاکم الْحَقُّ الْمُبِینُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ الصّادِقُ الْوَعْدُ و حق و مبین است، محمد فرستاده خداست،

ص: ۱۶۵

در وعده‌ها راستگو الْامِينُ، اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ کَما هَدَيْتَنِی لِلْاسْلامِ و امين است، بارخدايا همانا از تو می‌خواهم همانگونه که به اسلام هـدايتم کردی، أنْ لاـ تُنْزِعَهُ مِنِّی حَتّی تَتَوَفّانِی عَلَيْهِ وَأَنَا اسـلام را از من مگير تا آن زمان که مرا بر اسـلام بميرانی و من مُسْـلِمٌ، اللّهُمَّ اجْعَلْ فِی قَلْبِی نُوراً، وَفِی سَـمْعِی مسـلمان باشم. بارخدايا قلبم را نورانی کن و در گوشم نُوراً، وَفِی بَصَـرِی نُوراً، اللّهُمَّ رَبِّ اشْـرَحْ لِی نوری قرار بـده و چشـمم را نورانی گردان، بارخـدايا سـينه‌ام را گشاده گردان، صَـدْرِی وَيَسِّرْ لِی أَمْرِی، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ شَـرِّ و به من شرح صدر عنايت کن و کار مرا آسان نما. و پناه می‌برم به تو از شر وَساوِسِ الصَّدْرِ وَشَتاتِ

ص: ۱۶۶

الْامْرِ، وَفِتْنَهِ الْقَبْرِ، وسوسه‌های درونی و پراکندگی کارها، و عذاب قبر، اللّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ ما یَلِجُ فِی اللَّیْلِ بارخدایا همانا به تو پناه می‌برم از شر آنچه در شب وارد می‌شود وَمِنْ شَرِّ ما یَلِجُ فِی النَّهارِ، وَمِنْ شَرِّ ما تَهَبُ و از شر آنچه در روز وارد می‌شود، و از شر آنچه بادها بِهِ الرِّیاحُ، یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ، سُبْحانَکَ ما در پی دارند. ای مهربانترین مهربانان منزهی تو آن‌گونه که عَبَدْناکَ حَقَّ عِبادَتِکَ یا اللّهُ، سُبْحانَکَ ما

ص: ۱۶۷

شایسته تو است حق ستایش و عبودیت ترا بجای نیاوردیم، ای خدا، منزهی تو، ذَکَرْناکَ حَقَّ ذِکْرِکَ یا اللهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ حق یاد ترا هیچ گوینده ذکری ادا نکرده است، ای خدا، پروردگارا بیامرز و ببخش وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ تَعْلَمُ و از من درگذر و گرامی‌ام دار و از آنچه می‌دانی درگذر، همانا تو می‌دانی ما لا نَعْلَمُ، إِنَّکَ أَنْتَ‌اللهُ الْاعَزُّالْاکْرَمُ.»

آنچه را ما نمی‌دانیم، همانا تو عزیزترین و گرامی‌ترین خدائی.»

(إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ «همانا سعی صفا و مروه، از شعائر دین خداست، پس هرکس، حج الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما، و عمره را بجای آورد، باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه بجای آورد، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللهَ شاکِرٌعَلِیمٌ).

و هرکس با میل و رغبت نیکی کند. خدا به وی پاداش خواهد داد که او سپاسگزار و داناست.»

ص:۱۶۸

دعای دور پنجم از صفا به مروه

«اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ وَلِلّهِ الْحَمْدُ، «خدا برتر از هر چیز است و حمد و ستایش مخصوص ذات اوست سُبْحانَکَ ماشَکَرْناکَ حَقَّ شُکْرِکَ یا اللهُ، منزهی تو، ای خداوند، آنگونه که شایسته توست شکر تو را بجای نیاوردیم سُبْحانَکَ ما أَعْلی شَأْنَکَ یا اللهُ، اللّهُمَّ حَبِّبْ منزهی تو، چه بلندمرتبه است شأن و مقام تو ای خداوند، بارالها إِلَیْنَا الْایمانَ، وَزَیِّنْهُ فِی قُلُوبِنا، وَکَرِّهْ إِلَیْنَا

ص: ۱۶۹

الْکُفْرَ ایمان را محبوب ما قرار ده، و قلوب ما را با آن زینت بخش، ما را از کفر وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْیانَ، وَاجْعَلْنا مِنَ الرّاشِدِینَ، و خروج از مسیر حق و نافرمانی گریزان کن، و مارااز هدایت‌شدگان قرارده.

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ وَتَجاوَزْ عَمّا پروردگارابیامرز و بر ما رحم کن و ببخشای و بزرگواری کن، از آنچه تَعْلَمُ، إِنَّکَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، إِنَّکَ أَنْتَ اللهُ الْاعَزُّ می‌دانی درگذر، همانا تو می‌دانی آنچه را که ما نمی‌دانیم، همانا تو عزیزترین الْاکْرَمُ، اللّهُمَّ قِنِی عَذابَکَ یَوْمَ تَبْعَثُ عِبادَکَ، وگرامی‌ترین خدائی، خدایا روزی که‌بندگانت را از قبر بیرون می‌آوری از عذابت محفوظمان دار.

ص: ۱۷۰

اللّهُمَّ اهْدِنِی بِالْهُدی، وَنَقِّنِی بِالتَّقْوی، وَاغْفِرْ لِی فِی الْاخِرَهِ وَالْاولی، پروردگارا هدایتم کن به هدایت خود، و با تقوی مرا پاکیزه گردان، و مرا در آخرت و دنیا ببخشای، اللّهُمَّ أَبْسِطْ عَلَیْنا مِنْ بَرَکاتِکَ وَرَحْمَتِکَ وَفَضْلِکَ وَرِزْقِکَ، بارخدایا برکات و رحمت و بخشش و روزی ات را بر من فراوان کن. خداوندا

إِنِّی أَسْأَلُکَ النَّعِیمَ الْمُقِیمَ الَّذِی یَحُولُ وَلا همانا من از تو نعمتی بادوام می‌خواهم نعمتی که پیوسته می‌رسد و

ص: ۱۷۱

یَزُولُ أَبَداً، اللّهُمَّ اجْعَلْ فِی قَلْبِی نُوراً، وَفِی هرگز پایان نمی‌یابد، بارخدایا در قلب من نوری قرار ده، و در سَمْعِی نُوراً، وَفِی بَصَرِی نُوراً، وَفِی لِسانِی گوشم نوری، و در چشمم نوری، و در زبانم نُوراً، وَعَنْ یَمِینِی نُوراً، وَمِنْ فَوْقِی نُوراً، نوری، از طرف راستم نوری و از بالای سرم نوری وَاجْعَلْ فِی نَفْسِی نُوراً، وَعَظِّمْ لِی نُوراً».

و در وجودم نوری قرار ده، زیاد کن بر من نور را.»

«رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَیَسِّرْ لِی أَمْرِی».

«پروردگارا سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را آسان نمای.»

(إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ «همانا سعی صفا و مروه، از شعائر دین خداست، پس هرکس، حج الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما، و عمره را بجای آورد، باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه بجای آورد،

وَمَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللهَ شاکِرٌعَلِیمٌ).

و هرکس نیکی کند. خدا به وی پاداش خواهد داد که او سپاسگزار و داناست.»

ص:۱۷۲

دعای دور ششم از مروه به صفا

«اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ وَلِلهِ الْحَمْدُ، «خدا برتر از هر چیز است و حمد و سپاس مخصوص اوست.

لاإِلهَ إِلَّااللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ معبودی جز خدای یگانه نیست، وعده او راست‌بود و او به عهد خود وفاکرد، و بنده‌خود را عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْاحْزابَ وَحْدَهُ، لا إِلهَ إِلَّا اللهُ وَلا یاری‌داد. و به‌تنهایی، گروه‌ها (دشمنان) را درهم‌شکست معبودی‌جزالله نیست، نَعْبُدُ إِلّا إِيّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ جز او کسی را نمی‌پرستیم، دینمان را برای او خالص نموده‌ایم گرچه

ص: ۱۷۳

الْکافِرُونَ، اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْهُدی وَالتُّقی کافران را خوش نیاید بارخدایا از تو هدایت، و خداترسی، وَالْعِفافَ وَالْغِنی، اللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَالَّذِی عفاف و پاکی، و بی‌نیازی می‌خواهم. بارخدایا حمد و ستایش برای توست آنگونه که تَقُولُ وَخَیْراً مِمّا تَقُولُ، اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خود می‌گوئی و چیست بهتر از آنچه تو گوئی. بارخدایا من از تو درخواست می‌کنم رِضاکَ وَالْجَنَّهَ، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ سَخَطِکَ وَالنّارَ خشنودی و بهشتت را. و پناه می‌برم به تو از خشم و آتش دوزخت وَما یُقَرِّبُنِی إِلَیْها مِنْ قَوْل وَفِعْل أَوْ عَمَل، اللّهُمَّ و آنچه که مرا به خشم و آتش نزدیک می‌کند از

ص: ۱۷۴

گفتار و کردار بـد بارخداونـدا بِنُورِکَ اهْتَدَیْنا، وَبِفَضْلِکَ اسْتَغْنَیْنا، وَفِی کَنَفِکَ به نور تو ما هدایت یافتیم، و به فضل و بخشـش تو بی‌نیاز گشـته‌ایم و در پناه تو وَإِنْعامِکَ وَعَطائِکَ وَإِحْسانِکَ أَصْبَحْنا وَأَمْسَیْنا، و کمک و بخشش وجود تو شب را به صبح آورده و روز را به شب می‌بریم.

أَنْتَ الْاوَّلُ فَلا قَبْلَکَ شَیْءٌ، وَالْاخِرُ فَلا بَعْدَکَ تو اوّلی، پس قبل از تو چیزی نبوده و تو آخری و بعـد از تو چیزی نخواهـد شَیْءٌ، وَالظّاهِرُ فَلا شَیْءَ فَوْقَکَ، وَالْباطِنُ بود. و تو ظـاهری و چیزی بالاـتر از تو نیست و تو باطنی فَلاشَیْءَ دُونَکَ، نَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَلْسِ وَالْکَسَلِ

ص: ۱۷۵

و چیزی دون تو نیست، پناه می‌برم به تو از ناداری، و بیحالی وَعَذابِ الْقَبْرِ، وَفِتْنَهِ الْغِنی، وَنَسْأَلُکَ الْفَوْزَ و عذاب قبر، و آزمایش و بی‌نیازی و از تو می‌خواهم رسیدن بِالْجَنَّهِ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ به بهشت را. پروردگارا ببخشای و به من رحم کن. از من درگذر و کرم کن وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، إِنَّکَ و از آنچه می‌دانی بگذر، همانا تو می‌دانی آنچه را ما نمی‌دانیم. همانا تو أَنْتَ اللهُ الْاعَزُّ الْاکْرَمُ».

عزیزترین و گرامی‌ترین خدائی.»

ص: ۱۷۶

(إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ «همانا سعی صفا و مروه، از شعائر دین خداست، پس هرکس، حج الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما، و عمره را بجای آورد، باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه بجای آورد،

وَمَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللهَ شاکِرٌعَلِیمٌ).

و هرکس نیکی کند. خدا به وی پاداش خواهد داد که او سپاسگزار و داناست.»

دعای دور هفتم از صفا به مروه

«اللهُ أَکْبَرُ، اللهُ أَکْبَرُ کَبِیراً، وَالْحَمْدُ للهِ «خداآنگونه که باید، از همه چیز برتر است و حمد و سپاس فراوان برای کَثِیراً، اللّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ الْایمانَ، وَزَیِّنْهُ فِی خداوند است، خداوندا مرا دوستدار ایمان

ص: ۱۷۷

قرار بده و آن را در قَلْبِی، وَکَرِّهْ إِلَیَّ الْکُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْیانَ قلبم زینت بخش و مرا از کفر، خروج از مسیر حق، و نافرمانی گریزان کن وَاجْعَلْنِی مِنَ الرّاشِدِینَ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ و مرا از هدایت‌شدگان قرار ده، پروردگارا بر من ببخش و ترحم کن،

وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ تَعْلَمُ از من بگـذر و بزرگواری فرما و از آنچه تو می‌دانی درگذر، همانا تو می‌دانی ما لا نَعْلَمُ، إِنَّکَ أَنْتَ اللهُ الْاعَزُّ الْاکْرَمُ، اللّهُمَّ آنچه را ما نمی‌دانیم، همانا تو عزیزترین و گرامی‌ترین خدائی، خدایا

اخْتِمْ بِالْخَیْراتِ آجالَنـا، وَحَقِّقْ بِفَضْلِکَ آمالَنـا کارهای‌مـارا بانیکی‌هـا پایـان‌بخش و آرزوهای‌مـارا به فضل و کرم‌خود، تحقق‌بخش وَسَهِّلْ لِبُلُوغِ رِضاکَ سُبُلَنا، وَحَسِّنْ فِی جَمِیعِ

ص: ۱۷۸

و راههای‌رسیدن به خوشنودی‌خودت را برما آسان‌فرما و در همه

الْاحْوالِ أَعْمالَنا، یا مُنْقِذَ الْغَرْقی، یا مُنْجِیَ حالات کارهای ما را نیکو گردان. ای نجات‌دهنده انسان غرق شده، ای نجات‌دهنده الْهَلْکی، یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی، یا مُنْتَهی کُلِّ هلاک‌شدگان، ای شاهد هر پنهان، ای کسی

که انجام تمام شَکْوی، یا قَدِیمَ الْاحْسانِ، یا دائِمَ الْمَعْرُوفِ، شکایات پیش تو آورده می‌شود. ای که نیکی‌ات قدیم است، و همیشه شناخته شده‌ای، یا مَنْ لا غِنی بِشَیْء عَنْهُ، وَلابُدَّ لِکُلِّ شَیْء ای کسی که هیچ چیز بی‌نیاز از او نیست، و برای هر چیز نیازمند مِنْهُ، یا مَنْ رِزْقُ کُلِّ شَیْء عَلَیْهِ، وَمَصِیرُ کُلِّ اوئیم، ای کسی که روزی هر موجودی با اوست و پایان هر شَیْء إِلَیْهِ، اللّهُمَّ إِنِّی

ص: ۱۷۹

عائِذٌ بِکَ مِنْ شَرِّ ما چیزی بسوی اوست، بارخدایا همانا من از شر آنچه أَعْطَیْتَنا، وَمِنْ شَرِّ ما

مَنَعْتَنا، اللّهُمَّ تَوَفَّنا به ما داده‌ای بتو پناه می‌برم و از شـر آنچه ما را از آن برحذر داشـته‌ای، بارخدایا ما را مُسْلِمِینَ، وَأَلْحِقْنا بِالصّالِحِینَ، غَیْرَ خَزایـا وَلاـ مسـلمان بمیران، ما را به نیکان ملحق ساز نه به خواران و مَفْتُونِینَ، رَبِّ یَسِّرْ وَلا تُعَسِّرْ، رَبِّ أَتْمِمْ گمراهان، پروردگارا آسان نمای و بر ما سخت مگیر، پروردگارا کار ما را به خیر و نیکی بِالْخَیْرِ».

به پایان رسان.»

(إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَهَ مِنْ شَـعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَـجَّ «همانا سـعی صـفا و مروه، از شـعائر دین خـداست، پس هرکس، حـج الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما،

و عمره را بجای آورد، باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه بجای آورد، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللّهَ شاکِرٌعَلِیمٌ).

و هرکس نیکی کند. خدا به وی پاداش خواهد داد که او سپاسگزار و داناست.»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹